

یادداشت‌های سِنَدِ بادنامه

علی محمد هنر

ص ۴: **أَلْظَلْمُ مِنْ شَيْمِ النَّقْوِسِ ...** بیت از «متنبی» شاعر نامبردار است، از قصیده‌ای در مدح ابی‌العشائر و هجو اسحق بن کیغلیخ که در پاره‌ای از متنهای کهن فارسی به کار رفته است؛ از جمله: مرزبان‌نامه، طبع محمد قزوینی، ص ۴۵ و چاپ بنیاد فرهنگ ایران، ج ۱، ص ۸۵؛ **حَدَائِقُ الشَّحْرِ**، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، ص ۸۱؛ **لَطَائِفُ الْحِكْمَةِ**، تألیف سراج‌الدین محمود ارموی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، بنیاد فرهنگ ایران، طهران، ۱۳۵۱، ص ۱۶۳ و ... دیده شود. معنی بیت آن است که: ستمگری از خوی نفسهاست. اگر شخصی پاکدامن را بیایی که ستم نمی‌کند به علتی است.

ص ۴: **صَلَاحُ الْعِبَادِ ...** این بیت و بیت پس از آن، از سروده‌های ابوالفتح بُستی است که در بعضی کتب، از جمله دستورالکاتب فی تعیین المراتب، تألیف محمد بن هندوشاه نخجوانی، طبع مسکو، ۱۹۶۴ مسیحی، ص ۹۰ نقل شده است.

ص ۴: **أَلَدَيْنِ وَالْمَلِكِ تَوْأَمَانِ ...** این جمله مأثوره که در متن حدیث به شمار آمده و به پیغمبر بزرگ اسلام (ص) نسبت داده شده است؛ مأخوذ است از عبارتی از «عهد اردشیر» یعنی وصیت‌نامه اردشیر برای شاهان بعد از او که «ابوعلی مسکویه» آن را در تجارب‌الامم نقل کرده است و مرحوم علی‌اکبر دهخدا، آن را از روی تجارب‌الامم در امثال و حکم: ۱۶۱۳/۳ و مابعد درج نموده. جمله مورد بحث (به نقل امثال و حکم: ج ۳، ص ۱۶۱۴) ۴-۵ چنین است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْمَلِكَ وَالذَّيْنَ إِخْوَانِ تَوْأَمَانِ ...».

مرحوم عباس اقبال نیز در یکی از سلسله سخنرانی‌های خود، به عنوان «معارف ایران در عهد انوشیروان» گوید (نوبهار، سال پنجم و مقالات اقبال، دکتر دبیر سیاقی، ص ۱۱۹): «در موقع احتضار نیز اردشیر مذهب زردشتی را که پایه و اساس ملیت ایران می‌دانست؛ فراموش نکرد؛ چه پسر خود شاپور را مخاطب ساخته، گفت: ای فرزندان! دین

و مُلک دو برادرند که هیچ‌یک را از دیگری بی‌نیازی نیست. دین، اساس ملک است و ملک نگهبان دین. آنچه اساس ندارد؛ خراب است و آنچه را نگهبان نیست، ضایع است».

به نامهٔ تنسر، چاپ اوّل مینوی، ص ۸ و ۵۳ و نیز تعلیقات طبع دوّم؛ کلیله و دمنهٔ بهرامشاهی، چاپ مینوی، ص ۴؛ چهارمقالهٔ نظامی عروضی، چاپ دکتر محمد معین، ص ۱۸؛ اخلاق ناصری به تصحیح و توضیح مجتبی مینوی - علیرضا حیدری، ص ۲۸۵؛ التوسل الی الثرسل، چاپ احمد بهمینیار، طهران، ۱۳۱۵، ص ۱۰۲؛ عیون الاخبار، دینوری، ج ۱، ص ۱۳؛ مرصادالعباد، دکتر محمدامین ریاحی، ص ۴۳۶ رجوع شود. نظامی گنجه‌ای نیز گفته است (امثال و حکم، علی اکبر دهخدا، ص ۲۴۸):

«نزد خرد شاهی و پیغمبری چون دو نگیبند در انگشتری گفتهٔ آنهاست که آزاده‌اند کاین دو، ز یک اصل و نسب زاده‌اند»
ص ۵: الدین بالملک ... در تألیف دیگر نویسندهٔ کتاب - اغراض السیاسة، چاپ دکتر جعفر شعار، ص ۱۶۶ - به اردشیر بابکان نسبت داده شده است.
ص ۵: مَنْ عَلَبَ ... یعنی: هرکه غالب شود، می‌رباید. از نظر معنی و مورد استعمال شبیه است به مَثَلِ سائر دیگر: «مَنْ عَزَّ، بَزَّ» به این معنی، که هرکس برنده شود؛ لخت می‌کند. تاریخ و صّاف، چاپ هند، ص ۱۷۴ و ۱۹۰ دیده شود.
ص ۶: السّلطان ... به ترک الاطباب فی شرح الشّهاب، به کوشش محمد شیروانی، دانشگاه طهران ۱۳۴۳ شمسی ص ۱۶۲، فقرهٔ ۲۴۱؛ بریدالسّعادة، از محمد بن غازی مَلطَبُوی به تصحیح محمد شیروانی، طهران، ۱۳۵۱، ص ۸۷؛ مهمان‌نامهٔ بخارا، چاپ دکتر ستوده، ص ۱۷ و ... رجوع گردد.

ص ۶: ای یمین تو ... این بیت و بیت پس از آن، از قصیده‌ای است در مدح ثقة الملک، طاهر بن علی، به مطلع:

میل کرد آفتاب سوی شمال
روز فرسوده را قوی شد حال

که در دیوان رونی، چاپ چایکین، ص ۷۶ آمده است. در دیوان عثمان مختاری، طبع جلال همایی، بخش قصائد، ص ۳۰۹ و مابعد، از آن عثمان مختاری به شمار رفته است. امّا در لباب الالباب، چاپ اروپا، ج ۱، ص ۹۲، به اسم ظهیری سمرقندی - مؤلف کتاب - آمده است. در نصیحة الملوک، طبع همایی هم درج گردیده است.

ص ۶: فَمَا بفقیر ... در اغراض السیاسة، چاپ دکتر شعار، ص ۱۷۳ نیز منقول است.

ص ۷: لَوْلَا الْقَوْلُ ... یعنی: اگر خرد، وجود نمی داشت؛ پست‌ترین شیران، به شرف، از انسان نزدیک‌تر می‌بود.

ناصرخسرو نیز گرفته است (دیوان، مجتبی میثوی - مهدی محقق، ص ۲۱۸):
«گر خطیر آن بُودی که‌ش، دل و بازوی قوی است

شیر بایستی بر خلق جهان، جمله امیر»

ص ۷: درم از کفِ ... از منصور منطقی رازی است (قرن چهارم هجری)، معاصر صاحب بن عباد که بیت ماقبل آن چنین می‌باشد (مجمع‌الفصحاح، ج ۳، ص ۱۱۸۱):
مگر رسم سکه چرا کرده‌اند ندانستمی من همی آن زمان

مجله دانشکده ادبیات طهران، شماره پی در پی ۷۸، ص یازده و ۷۷ نیز دیده شود.
امیر معزی نیشابوری (ابو عبدالله، محمد بن عبدالملک، قرن ششم هجری، معاصر سلجوقی‌ها) در قصیده‌ای، در مدح صدرالدین محمد بن فخرالملک به مطلع (دیوان، عباس اقبال آشتیانی، طهران، ۱۳۱۸، ص ۶۶۶):

یک امشب ز بهر من ای ساریان! ز دروازه بیرون میرکاروان

این بیت را تضمین کرده و گفته است:

به نام تو یک بیت، تضمین کنم که منصور گفته است در باستان:
«درم از کف تو به نزع آمده است شهادت نهندش همی در دهان»

ص ۸: عَلَى الْعَبْدِ ... در بختیارنامه، به تصحیح دکتر صفا، ص ۹ به کار رفته است.

ص ۹: وَ الْعَدْلُ ... در جواهرالاسمار (طوطی‌نامه) از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، به کوشش آل احمد ص ۷ چنین معنی شده است: «عدل سایه بر سر عالمیان انداخت و کیوتر از مضراب عقاب، فارغ‌البال، روزگار گذاشت».

ص ۹: غیضی است از فیضی ... همان «غَيْضٌ مِنْ فَيْضٍ» است، یعنی: اندکی است از بسیاری، نظیر: بَرُضٌ مِنْ عَدِّ. رجوع شود به: مجمع‌الامثال میدانی، ۱۹۵۹ م. ج ۲، ص ۱۸؛ المعجم به تصحیح مدرّس رضوی، ص ۱۹؛ تَمَّةُ صَوَانِ الْحِكْمَةِ، چاپ محمد شفیع، ص ۱۳۴ و مرزبان‌نامه، طبع قزوینی، ص ۱۶ و چاپ بنیاد فرهنگ ایران ج ۱، ص ۳۱.

ص ۱۰: حُطْبَتُكَ ... این بیت و ابیات بعد، با اندک اختلافی در الفاظ، در تألیف دیگر صاحب سندبادنامه، موسوم به اغراض‌السیاسه، چاپ دکتر جعفر شعار، ص ۴، آمده است. نیز بیت اوّل، با کمی اختلاف در المضاف الی بدایع‌الازمان، با دو بیت دیگر، ص ۳۴ نقل گردیده است.

- ص ۱۰: لَأَزَالَت مُضِيَّةً ... همواره روشن‌نشان و برافراشته (استوار) درفش باد!
- ص ۱۰: أَبَدَالِدَّهْرُ ... همواره تا روزگار برجاست.
- ص ۱۰: لَأَزَالَت مَعْمُورَه ... همواره اطراف و پایه‌های آن، آبادان و استوار باد و کرانه‌ها و بنیادش، از بدی، در امان باد! مقایسه شود با: کلیله و دمنه، مینوی، ۱۳۴۳ ص ۱۵.
- ص ۱۱: خَسْرُوا مَلِكًا ... این بیت و بیت پس از آن در جهانگشای جویبی، طبع قزوینی، ج ۳، ص ۳۷ نیز منقول است؛ از قصیده‌ای است از انوری، در مدح علاءالدین: دیوان انوری چاپ مدرّس رضوی ج ۱ ص ۳۹، از نظر گذرانیده شود.
- ص ۱۱: ذُو طَلْعَةٍ ... صاحب دیداری است که هرگاه خورشید چاشتگاه با او روبرو گردد؛ از بیم بزرگی و بزرگواری او، وی را سجده بَرَد.
- ص ۱۲: اگر به چرخ بر ... و ابیات پس از آن، از قصیده‌ای است از بلفرج رونی، در مدح علاءالدوله ابوسعید سلطان مسعود بن سلطان ابراهیم به مطلع:
- نظام گیرد کار هوا بدین هنگام که دل ز شیر ستاند بدو دو بیکر وام رجوع شود به دیوان بلفرج رونی، طبع چاپکین، ص ۸۳.
- ص ۱۲: زان سوی چرخ ... از جمله ابیات بازمانده از عمادی شهریاری شاعر معروف است، به سخن و سخنوران بدیع الزمان فروزانفر، ج ۲ ص ۱۸۴ نگریسته شود.
- ص ۱۳: از تابِ جود او ... از سید حسین غزنوی، شاعر قرن ششم است: دیوان سید حسن غزنوی، به تصحیح محمد تقی مدرّس رضوی، از سلسله انتشارات دانشگاه طهران، ص ۱۱۳ دیده شود.
- ص ۱۴: اِدامَ اللّٰهَ جلاله ... خدای، جلال او را پایدار دارد!
- ص ۱۴: لَقَدْ حَسُنَتْ ... به تحقیق، روزگار از برای تو نیکو شده است. مانند این است که تو در دهان زمانه لبخند می‌زنی.
- ص ۱۵: أَقَامَتْ فِی ... حقوق نعمتهای او، بر گردن بندگان ثابت گردید؛ همچون طوقی که بر گردن کبوتران است. سعدی نیز گفته است (غزلیات، طبع فروغی، ص ۱۹۵): مرغ جانم را به مشکین سلسله طوق بر گردن نهادی چون حمام
- ص ۱۵: بی دفتر ملک ... و بیت ماقبل آن، از عمادی شهریاری است در مدح عمادالدوله فرامرز؛ رجوع کنید به: لباب‌الالباب، چاپ سعید نفیسی، ص ۷۲۷.
- ص ۱۶: ازین پس باذبان ... این بیت و بیت پس از آن، از سروده‌های سید حسن

غزنوی است، به دیوان او، ص ۸۳ رجوع گردد.

ص ۱۷: شوذ بیناد به دیدار ... با اندک اختلاف لفظی، در اغراض السیاسه، ص ۸، منقول است؛ اما نام گوینده آن، بر من دانسته نیست.

ص ۱۸: و لِمَا رَأَيْتُ ... چون (مقام) مردمان را پایین تر از مقام او دیدم؛ یقین حاصل کردم که روزگار گزیننده بهترین انسانهاست.

ص ۲۱: ما کُلُّ ما ... انسان، به هر چیزی نمی‌رسد که آن را آرزو می‌کند. همان‌طور که بادها در جهتی می‌وزند که کشتی‌ها آرزومند آن نیستند.

این بیت، از قصیده‌ای است از «متنبی»، به مطلع:

بِمِ التَّعَلُّلِ لَا أَهْلَ وَلَا وَطَنٍ وَلَا نَدِيمٍ وَلَا كَأْسٍ وَلَا سَكَنِ

که در اغراض السیاسه (چاپ دکتر شعار، ص ۳۳۷) چنین به فارسی درآمده است: چرخ نه چنان رود که خواهد مردم / باد نه چنان وزد که خواهد کشتی / همین بیت، در گنجینه سخن (دکتر صفا، ج ۲، ص ۱۹۸ به نقل از دستور دبیری، چاپ صادق عدنان ارزی) اینگونه آمده است که بهتر از ضبط اغراض السیاسه است:

روز، نه چونان بود که خواهد مردم / باد، نه چونان رود که خواهد کشتی

همچنین به تجارب السلف، چاپ عباس اقبال آشتیانی، ص ۲۶۲ و مکتوبات مولوی، طبع دکتر توفیق سبحانی، طهران، ۱۳۷۱، ص ۱۲۰ - نامه چهل و هفتم - و التَّوَسُّلُ إِلَى التَّرَسُّلِ، چاپ احمد بهمنیار، طهران ۱۳۱۵ شمسی، صفحه‌های ۱۶۴، ۱۷۷، ۲۰۸ و تاریخ و صاف، چاپ هند، ۱۳۳۳ قمری، ص ۳۳۴ - که فقط مصراع اوّل، از بیت تازی آمده - رجوع گردد.

ص ۲۱: فَلَسْتُ ... او نخستین شخص باهمتی نیست که در اندیشه رسیدن به چیزی است که هرگز به آن نمی‌رسد.

این بیت، با بیتی دیگر در ترجمه تاریخ یمنی، طبع دکتر جعفر شعار، ص ۲۸ نقل گردیده است.

ص ۲۲: بر آئی که ... از شعرهای عمادی شهریار است: به تاریخ و صاف، چاپ ۱۳۳۳ قمری در هند، ص ۳۲۵ و سخن و سخنوران فروزانفر، ج ۲، ص ۱۸۴ نگریسته شود.

ص ۲۲: کَلَامٌ كَنُورِ الرَّؤْيِي ... از گفته‌های «الحریری صاحب المقامات» است «فی مسعود سعد» که در دست‌نوشته‌ای دیرسال، چنین برگردانده شده است: «سخنی است چو شکوفه پشته‌ها که بوی داد تازه / و بازی کرده است با او پاره‌ایی از باران / و چو باد شمال برفت، پس آنگاه بکشید / بر روی زمین، دامتهای بوی خویش / و چو بوی خوش

خزامی - یعنی، گیاهی خوشبوی - / و چو گشتن می و روشناییهای آنگِشتِ زنده و چو لطفهای ندیمان / و چون ستاره شب و چون نظم کردن مروارید / و چو عمر رشک برده و چو کار در ضبط آورده / بیت پنجم این قطعه نیز با معنی، بدینگونه است:

«لَمَسْعُودٍ سَعِدٍ سَرِيٍّ الْمَعَالِي سَلًا بِالْحَرِيرِيٍّ فِي أَرْضِ مِصْرَ»:

«مر مسعود سعد را، مهتر کارهای بزرگ / که برون آورده است حریری را، از غم، در زمین مصر» به تحقیق مجتبی مینوی، به عنوان «شعر حریری درباره مسعود سعد»: مجله دانشکده ادبیات طهران، سال پنجم، شماره چهارم (تیرماه ۱۳۳۷ شمسی) مراجعه شود. نکته‌ای نیز باید افزود که آن بزرگوار به درج این بیتها در متن سندبادنامه اشاره نفرموده است.

ص ۲۳: **ویحک ای ...** با بیت بعد، از انوری ایبوردی است: به دیوان او، طبع مدرّس رضوی، ج ۱، ص ۴۴۳ رجوع شود.

ص ۲۳: **آدام ...** خدای فرمانروایی او را پایدار دارد!

ص ۲۳: **ای به چشم ...** و بیت پس از آن، از انوری است. رجوع گردد به دیوان او، چاپ اول مدرّس رضوی، ج ۲، صفحه ۵۷۸.

ص ۲۴: **فَاتَتْ تَجْرُ ...** این بیت و بیتهای بعد، با اندک اختلاف در الفاظ، در تألیف دیگری ظهیری سمرقندی به نام اغراض السیاسة و اغراض الریاسة، به تصحیح و اهتمام دکتر جعفر شعار، طهران، ۱۳۴۹ شمسی، ص ۱۴ به استشهاد آورده شده است.

ص ۲۵: **وَاللَّهُ ...** خدای است که از برای به پایان آوردن آن، عمر را طولانی می سازد. همانا که او اجابت کننده (دعا) است.

ص ۲۵: **أَنَارَ اللَّهُ ...** خداوند حجّت او را، به او بیاموزاد! (یا: خدا، حجّت او را، بر زبان او نهاد). رجوع شود به: چهارمقاله، نظامی عروضی، چاپ دکتر معین، ص ۳۰، ۳۷ و ۱۰۰؛ کلیله و دمنه، طبع مینوی، ص ۴۱۹.

ص ۲۵ **فنا روزی در باب صورت درست این لفظ،** به پانزده گفتار، مجتبی مینوی، چاپ دوّم، ص ۱۷۰ و ۴۶۹ و نیز به چهارمقاله نظامی عروضی، به تصحیح دکتر معین، ص ۲۲۰ و ۲۲۱ ح مراجعه گردد.

ص ۲۶: **شَيْدَ اللَّهِ ...** خدای، پایه‌های آن را بلند گرداناد و بنیادش را، استوار کند!

ص ۲۷: **أَعَزَّ ...** خداوند، یاران او را گرامی (پیروز) گرداناد!

ص ۲۷: **فَأَنَّهُ ...** پس اوست توانا بر این (کار) و توفیق دهنده از برای (انجام) آن.

ص ۲۸: عَلِيٌّ ذَا مَضَى ... پیش از ما نیز، مردمان اینگونه می زیسته اند؛ گاهی با هم جمع بوده اند و زمانی از یکدیگر جدا. بعضی از آنها، از دنیا می رفته اند و برخی دیگر به دنیا می آمده اند. بعضی از آنان، دوستدار هم بوده اند و برخی دشمنی کننده با هم.

ص ۲۹: سخن به کی ... این بیت، بدون ذکر نام گوینده، در فرائد السَّلوک، چاپ طهران، ص ۶۹ نیز نقل شده است.

ص ۲۹: لَوْلَا جَرِيْرٌ ... این بیت و ابیات بعد که از ابراهیم بن عثمان الغَزَی (متوفی به سال ۵۲۴ قمری) است، جز از جهانگشای جوینی، طبع قزوینی، ج ۱، ص ۱۶۳ و راحة الصّدور راوندی، با تصحیحات لازم از مینوی، ص ۶۲، دو بیت آن نیز در ترجمه تاریخ یمینی، چاپ دکتر شعار، ص ۹، نقل شده است. مرحوم علامه، محمد قزوینی، در باب بیت دوم از این ابیات - وَ تَرَى ثَنَاءَ الرَّوْذِکِيِّ ... - که همگی در ستایش ابو عبد الله کرم بن العلاء صاحب کرمان سروده شده است؛ نوشته اند (جهانگشای جوینی، ج ۱، ص ۱۶۳): «وَأَيْسَ مِنْهَا الْبَيْتُ الْمَعْرُوفُ الَّذِي يَقْتَرَنُ غَالِبًا بِهَذَا الْبَيْتِ، وَ هُوَ: وَ تَرَى ثَنَاءَ الرَّوْذِکِيِّ ...». اما، معنی چند بیت، به تقریب چنین است:

اگر جریر و فرزدق نمی بودند؛ نام نیکی از بنی مروان نمی ماند و درمی یابی که از همه آنچه، سامانیان گرد آوردند؛ (تنها) مدیحه رودکی، جاودان، مانده است و، نوای بارید باقی مانده است از آنچه، ساسانیان در دنیا، صحن آن شده بودند. نیز، پادشاهان غسان، از میان رفتند؛ ولی سخنان حسان درباره ایشان به جا مانده است.

همچنین، شریف مجلّدی (مخلّدی) گرگانی، گوید (لباب الالباب، محمد عوفی، چاپ سعید نفیسی، ج ۱، ص ۱۳ و مابعد؛ چهارمقاله نظامی عروضی، طبع دکتر معین، ص ۴۴):

از آن چندان نعیم این جلهائی که ماند از آل ساسان و آل سامان
ثنای رودکی مانده است و مدحت نوای بارید مانده است و داستان
دو بیت زیر نیز، مدلول همان ابیات تازی است که قبلاً نقل آمد (چهارمقاله، چاپ معین، ص ۴۶):

بسا کاخا که محمودش بنا کرد که از رفعت همی با مه مرا کرد
بینی زان همه یک خشت بر پای مدیح عنصری ماندست بر جای
ص ۲۹: آن خسرو| او| ان ... با بیت پس از آن از رشید و طواط است؛ از قصیده‌ای در مدح اتسز به مطلع:

ای آن که در جهان، ز تو سرّی نهان نماند با عدل تو، نشان رستم در جهان نماند

دیوان رشید و طواط، چاپ سعید نفیسی، ص ۱۴۰؛ یادداشت‌های قزوینی، چاپ ایرج افشار، ج ۵، ص ۲۸۴؛ تجارب السلف، طبع عباس اقبال آشتیانی ص ۳۵۹؛ جواهر الاسمار (طوطی‌نامه) به تصحیح و اهتمام شمس آل احمد، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۸۰؛ تاریخ بناکتی، به تصحیح دکتر جعفر شعار از سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، طهران، ۱۳۴۸، ص ۷۲ و ... دیده شود. افزودنی است که بیت دوّم این شعر - نوشین روان اگر چه ... - در لباب الالباب، سعید نفیسی، طهران، ۱۳۳۵ ص ۱۴ به نام رشید و طواط آمده است؛ امّا، در دیوان لامعی گرگانی چاپ سنگی عهد ناصری، ص ۱۴ و در سبک خراسانی در شعر فارسی، از دکتر محمد جعفر محبوب، ص ۶۳۶، از آن لامعی گرگانی دانسته شده است.

استاد سخن فارسی - سعدی - نیز گوید (گلستان، چاپ قریب، ص ۱۸):

«زنده است نام فرخ نوشیروان بخیر

گرچه بسی گذشت که نوشین روان تماند»

ص ۳۰: أَنَّهُ الْمَوْقُوقُ ... همانا او، توفیق دهنده و یاری کننده است. گاهی این جمله

اسمیّه دعائیه، به صورت «أَنَّهُ خَيْرٌ مَوْقُوقٍ وَ مُعِينٌ» به کار می رود، نگاه کنید به:

جامع الحکمتین، چاپ دکتر معین و هانری کربن، ص ۳۲ و اسرار التوحید، طبع دکتر

صفا، ص ۱۰.

ص ۳۰: در هوس مدح ... این بیت در اغراض السیاسة و اغراض الریاسة، ص ۱۶، بدون

ذکر نام گوینده دیده می شود.

ص ۳۲: اگر شمایلِ حلمش ... بیتی است از یکی از قصائد بلفرج رونی در مدح

سلطان ابراهیم، به مطلع (دیوان چاپ جایکین، ص ۶۰):

نظام عالم و خورشید ملک و ذات هنر نصیر دولت و پشت هدئی و روی ظفر

بیت دیگری از همین قصیده، در سندبادنامه، ص ۲۵۵، ص ۴ به کار رفته است.

ص ۳۲: حُذْمًا صَفَا ... معنی ابیات چنین است:

آنچه را از برای خود برگزین، که پاک است؛ چه زندگی فریبکار است و روزگار گاه

دادگر است و گاهی ستم می کند. زمانه را ملامت مکن! زیرا او چرخ است که بر پایه

ستیهنگی می گردد. [روزگار] همیشه اندوه و درد را، از شادی می آفریند و درد و غمی بر

تو افشاند که پایانش شادمانی است. مقایسه شود با حدیثی که منقول است از پیامبر

بزرگوار اسلام (ص): «حُذِّ مِّنَ الدَّهْرِ مَا صَفَا وَ مِّنَ الْعَيْشِ مَا كَفَى ...».

نیز سنجیده شود با دو بیت زیر از گفته‌های دیک الجنّ (محاضرات الادباء، ج ۱، ص ۳۲۱- از یادداشت‌های، محتببی مینوی):

«خُذْ مِنْ زَمَانِكَ مَا صَفَا
فَالْعَمْرُ اقْصِرْ مَدَّةَ
وَدَعْ الَّذِي فِيهِ الْكَدْرُ
مَنْ أَنْ يَمْحَقَ بِالْغَيْرِ

و این بیت از ابن ابی حازم (عیون‌الخبار، ج ۳، ص ۱۰۹):

خُذْ مِنَ الدَّهْرِ مَا كَفَى
وَ مِنَ الْعَيْشِ مَا صَفَا

و ابیات ذیل از ابن سکرة الهاشمی:

خُذْ مِنَ الدَّهْرِ مَا صَفَا لَكَ فِيهِ
أَيُّ شَيْءٍ يَكُونُ اطِّيبَ مِنْ كَأْ
وَدَعْ الْفِكْرَ فِي نَبَاتِ الطَّرِيقِ
سِرِّ رَحِيقِ شَيْبَتِ بَرِيقِ عَشِيقِ

و نیز بیتی از سعدی (بوستان، چاپ فروغی، ص ۲۰۳):

«به یک خرده میسند بروی جفا بزرگان بگفتند: «خُذْ مَا صَفَا»

برای همه این نکات، منتبّی و سعدی، از دکتر محفوظ، ص ۱۲۰، متن و حاشیه دیده

شود.

ص ۳۳: از جمله رفتگان ... در طریخانهٔ یاراحمد رشیدی، چاپ جلال‌الدین همایی،

فقره ۱۸۱، از رباعیات خیم به شمار رفته است.

ص ۳۳: ایمن مشو ... دربارهٔ صورت درست این بیت و «سدوم» رجوع شود به:

پانزده گفتار محتببی مینوی، چاپ دوّم، ص ۱۸۲ و مابعد و نیز صفحه ۴۶۹. در بختارنامه،

چاپ دکتر صفا، ص ۱۶ هم، بیت نقل شده است.

ص ۳۳: عَلَيْكَ بِالْعَدْلِ ... و بیت بعد در اغراض السیاسة، چاپ دکتر جعفر شعار، ص

۱۵۹؛ مرزبان‌نامه، طبع بنیاد فرهنگ ایران، ج ۱، ص ۵۲ و التّوَسُّلُ إِلَى التَّرَسُّلِ، چاپ احمد

بهمنیار، ص ۹۲ به استشهاد آمده است.

ص ۳۴: مَنْ يَزْرَعُ ... هرکه خار کارد؛ انگور نَدُرود. از گفته‌های صالح بن

عبدالقُدّوس است: التّوَارِدُ، ۱۹۷۴ میلادی، ج ۱، ص ۴۷ دیده شود. نیز به کلیله و دمنهٔ

بهرامشاهی، طبع مینوی، ۱۳۴۳، ص ۱۲۵؛ نفثة المصدور زبدری، چاپ دکتر امیرحسین

یزدگردی، ص ۲۸؛ ترجمهٔ تاریخی یمینی، طبع دکتر جعفر شعار، ص ۱۰۰ و ... رجوع

گردد.

ص ۳۴: هرچه کاری ... به یادداشت‌های قزوینی، چاپ ایرج افشار، ج ۵، ص ۱۲۴ و

جوهر الاسمار (طوطی‌نامه) از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۶۲ مراجعه شود.

ص ۳۴: وَ لَوْ بَشَهْوَةِ ... یعنی: چه بسا هوس زودگذر و کوتاه که اندوهی طولانی

را باعث شود. همچنین رجوع شود به: ترک الاطاب فی شرح الشهاب (یا مختصر فصل الخطاب) تصحیح محمد شیروانی، از سلسله انتشارات دانشگاه طهران ۱۳۴۳، ص ۷۵۵ فقره ۹۱۴ که در آنجا، به جای «وَلَّ» با «أَلَا» شروع می شود.

در دیوان ابی العتاهیه (بیروت، ۱۸۸۸ میلادی، ص ۲۱۸) به صورت بیتی کامل ضبط شده است:

وَلَّيْتُ شَهْوَةَ سَاعَةٍ قَدْ
أَوْرَثَتْ حُزْنَناً طَوِيلًا

ص ۳۵: مَثَلُ الْمَلِكِ ... در اغراض السیاسة، ص ۱۹۴ به «انوشیروان ابن قباد» نسبت داده شده است.

ص ۳۵: از رعیت ... از گفته های سنایی غزنوی در حدیقه الحقیقه است: یادداشتهای قزوینی، ایرج افشار، ج ۵، ص ۱۲۴ و ۱۲۵؛ حدیقه، چاپ اول، مدرّس رضوی، ص ۵۷۳ و تعلیقات حدیقه از همو، ص ۶۳۷ دیده شود. ظاهراً اشاره است به داستانی از انوشیروان که روایتی از آن در نصیحة الملوك غزالی، چاپ جلال همایی، ص ۷۱ نقل شده است. علامه علی اکبر دهخدا، بیت را در امثال و حکم (ج ۱، ص ۱۳۲) به سعدی نسبت داده است. سعدی گوید (گلستان، چاپ فروغی، ص ۲۲):

پادشاهی که طرح ظلم افکند
پای دیوار ملک خویش بکند

ص ۳۶: مَالِدَةٌ ... مرد را، لذتی از زندگانی نیست؛ چه، مرگ او را دریابد؛ اگر چه بسیار زید. مرگ را جامی است که مرد، نوشنده آن است.

ص ۳۶: دست در روزگار ... این بیت و دو بیت پس از آن، از گفته های انوری ابیوردی، شاعر معروف است که در دیوان او، چاپ اول مدرّس رضوی، ج ۲ ص ۸۴۵ ضبط گردیده است.

ص ۳۷: بِالْبُعْدِ ... ارزش نزدیکی، در دوری و جدایی شناخته می شود.

ص ۳۷: هرکه در راه ... از آن سنایی غزنوی است: دیوان، چاپ دوم، مدرّس رضوی، ص ۹۴ دیده شود.

ص ۳۹: عدل کن ... به حدیقه سنایی، چاپ اول، مدرّس رضوی، ص ۵۵۵ مراجعه گردد.

ص ۳۹: الموتُ آتٍ ... مرگ آمدنی است و جانها گرانبها هستند. مردی کم خرد است که، به آنچه در نزد اوست؛ به غفلت افتد.

ص ۴۴: فَمَا عَلَيَّ التَّيْبُ ... این بیت که در «مقامات حریری» نیز آمده است؛ به

دست‌گزارنده‌ای ناشناخته، چنین به فارسی برگردانیده شده است: «که نیست بر زرّ کانی ننگی، در آتش، چو آن را بگردانند». (از ترجمه کهن مقامات حریری به فارسی، نسخه نور عثمانیه، به شماره ۴۲۶۴، مورّخ ۶۸۶ هـ ق، ورق ۱۱؛ از جمله نسخه‌های خطی با اعتباری است که مجتبی مینوی آن را در کتب خانه معروف ترکیه یافته و شناسانده است و فیلم و عکسی از آن تهیه کرده و در دو چاپی که از ترجمه مقامات در طهران شده است؛ مورد استفاده قرار گرفته. در جواهرالاسمار (طوطی‌نامه)، به اهتمام شمس آل احمد، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۱۸ نیز آمده است؛ امّا، آن را به صورت نثر طبع کرده‌اند و ظاهراً شعر بودنش را نابوده انگاشته‌اند.

ص ۴۹: داستان گرگ و روباه و اشتر ... این داستان را مولوی در دفتر ششم مثنوی ایات ۲۴۵۷ تا ۲۴۵۸، از چاپ نیکلسن، به نظم درآورده است و ظاهراً مأخذ وی سَنَدبَادنامه بوده است.

ص ۵۳: آن را که غمی ... این بیت با بیتی دیگر (رباعی) در بختیارنامه، چاپ دکتر صفا، نقل گردیده است. در گنجینه گنجوی، طبع وحید دستگردی ص ۲۲۶ از نظامی گنجوی دانسته شده است. در امثال و حکم: ج ۲ ص ۷۵۹ به عین القضاة همدانی نسبت داده شده است. در تفسیر سوره یوسف به اهتمام محمد روشن طهران ۱۳۵۶ - در ص ۱۳۵ و ۴۸۲ - با بیتی دیگر، بدون نام بردن از گوینده آمده است. در کلیات شمس، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، ج ۸، ص ۷۱، به نام مولوی ضبط شده و در مکتوبات مولوی هم، در نامه پنجاهم نقل گردیده است (چاپ دکتر توفیق سبحانی، ص ۱۲۵).

ص ۵۳: فَفَقَّرَ الْجَهْلُ ... نیاز نادان بی‌خرد، به ادب، همانند نیازمندی خرب‌بی‌سر، به افسار (رسن) است.

ص ۵۴: هست بردن ... از سنایی غزنوی است: دیوان، چاپ مدرّس رضوی، ص ۱۹۳ دیده شود.

ص ۵۵: مَا كَلَّ مَنْ ... سنجیده شود با امثال و حکم دهخدا: ج ۴، ص ۱۷۴۴ و جواهرالاسمار (طوطی‌نامه) چاپ آل احمد ص ۲۴۰ و التوسّل الی التّوسّل، طبع احمد بهمنیار، ص ۳۰۹.

ص ۵۵: وَ لَرُبَّمَا ... نام گوینده بیت، بر من معلوم نشد: امّا در الشّواری: ج ۱، ص ۹۸، به صورت زیر ضبط شده است که با متن، در الفاظ، اختلاف بسیار دارد:

وَ لَرُبَّمَا مَنَعَ الْكَرِيمُ وَ مَائِهِ بُخَلٌّ وَ لَكِنَّ سَوْءَ حَظِّ الطَّالِبِ

ص ۵۷: هایل هیونی ... این شعر معروف معزی (دیوان، عباس اقبال طهران ۱۳۱۸

ص ۵۹۸ بدون ضبط بیت اول، مقایسه شود با بیست مقاله قزوینی، ج ۱، طهران، ۱۳۳۲، ص ۷۹ - ۸۰) و ابیات بعد از آن که در بعضی از متنهای قدیم، از جمله کلیله و دمنه بهرامشاهی، مینوی ص ۳۶۰ و مابعد، نقل شده است؛ از قصیده بسیار معروف اوست به مطلع:

«ای ساریان! منزل مکن جز در دیار یار من

تا یک زمان زاری کنم بر ربیع و اطلال و دمن»

در مدح ابوطاهر، سعد بن علی بن عیسی القمی، از وزیران سنجر.

ص ۵۸: البحر لا ... دریا را همسایه‌ای و فرمانروا را دوستی نیست. در بعضی از کتابهای قدیم ما، به صورت مثل آمده است. مثلاً نگاه کنید به: تفسیر سورة یوسف (السنن الجامع) چاپ محمد روشن، طهران ۱۳۴۵، ص ۵۲۴؛ بختیارنامه (لمعة السراج) از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، طهران، ۱۳۴۸ ص ۲۳۱. ص ۵۹ ... با اختلاف در الفاظ، در کلیله مینوی، ص ۳۳۶، عیناً با دو بیت تازی نقل شده است.

ص ۶۶: بچّه بط ... از ابیات معروف سنایی غزنوی است: حدیقة الحقیقة، چاپ اول، مدرّس رضوی (۱۳۲۹ شمسی) ص ۱۵۴ و نیز تعلیقات حدیقه، ص ۲۳۶ دیده شود.

ص ۶۶: هر روز فلک ... این دو بیت با اندک اختلافی در الفاظ، بدون ذکر نام گوینده، در جهانگشای جوینی به تصحیح محمد قزوینی ج ۲، ص ۱۰۶ به کار برده شده است.

ص ۶۸: گر تنگ ... در امثال و حکم ج ۳ ص ۱۲۸۱، بی یادکرد نام گوینده، از اسرار التوحید نقل گردیده است.

ص ۶۸: فَلَو لارجاء ... یعنی: اگر امید وصال نمی بود؛ من ساعتی نمی زیستم و اگر جای خیال نمی بود؛ در شب نمی خفتم. به کلیله و دمنه، چاپ مینوی ۱۳۴۳ ص ۲۴۶ مراجعه گردد.

ص ۶۹: أوطأ عن ... مطلع قصیده مشهور ابی اسحق، ابراهیم بن عثمان بن محمد الغزّی است که با چند بیت دیگر از آن در جهانگشای جوینی، طبع محمد قزوینی، ج ۱، ص ۶۳ مسطور است.

ص ۷۱: آذًا رأیت ... چون بینی که دندانهای شیر آشکار شده است؛ گمان میر که

شیر، خنده بر لب دارد. اسدی طوسی نیز در گرشاسب‌نامه (چاپ حبیب یغمایی: ص ۶۸) گفته است:

«نباید شد از خنده‌ش دلیر نه خنده است دندان نمودن ز شیر»

این بیت معروف «متنبی» در بعضی از کتب قدیم ما، از جمله در مقالات شمس تبریزی (به تصحیح محمد علی موحد، طهران، ۱۳۵۶، ص ۱۶۳) به استشهاد آورده شده است.

ص ۷۱: ذُو الْجَهْلِ ... اهل جهل، در حوادثی که نازل می‌گردد همان را کند که خداوند خرد می‌کند؛ ولیکن بعد از آن که رسوا گشته باشد.
 مجتبی مینوی نویسد (نامه تنسر، چاپ دوم، ص ۱۵ و کلیله و دمنه، ص ۳۳۷ دیده شود):

«این بیت را صاحب سندبادنامه (ص ۷۱) و صاحب جهانگشا (ج ۲، ص ۲۳۳) نیز آورده‌اند و در سندبادنامه، این دو بیت فارسی در دنبال آن آمده است:

نادان همان کند که کند دانا
 هر بد پسر که نیک شود روزی
 که بیت دوم فارسی باز ترجمه بیت دومی عربی است که به دنبال بیت مذکور در بالا در کلیله آمده است:

مِثْلُ آبِنِ سَوْءِ أَبِي إِلَّا تَمَرَّدَه
 حَتَّى إِذَا مَا ابُوهُ فَاتَّهَ صَلْحَا
 مانند پسر بد که نکرد جز از نافرمانی و گردنکشی (با پدر خود) تا چون که پدرش از کف او برفت، نیک مرد و بسامان شد.

ص ۷۲: ثَلَاثَةٌ لَا ... در اغراض السیاسة، ص ۱۸۵ نقل کرده شده است.
 ص ۷۲: نَحْنُ الزَّمَانُ ... به کلیله و دمنه بهرامشاهی، طبع مینوی، ۱۳۴۳ ش، ص ۴۰۰ و اغراض السیاسة و اغراض الریاسة، به تصحیح دکتر جعفر شعار از سلسله انتشارات دانشگاه طهران، ص ۲۷۱ و اخلاق ناصری، چاپ اول مینوی - حیدری، ص ۳۰۱ و ۳۹۷ (نص جمله مأثوره و تعلیقات مینوی بر آن) و تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر علی‌اکبر فیاض، ۱۳۵۰ شمسی، ص ۱۶۸ نگریسته شود.

در التمثیل و المحاضره (تعالیمی، قاهره، ۱۹۶۱ میلادی، ص ۳۳۱) آمده است:
 «قَالَ معاوية، رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: نَحْنُ الزَّمَانُ، مَنْ وَصَعْنَاهُ انْضَعُ وَمَنْ رَفَعْنَاهُ ارْتَفَعَ». در کلیله و دمنه بهرامشاهی (ص ۴۰۰) آن را، از قول بعض الملوك الاكابر نقل می‌کند.

در تاریخ بیهقی (ص ۱۶۸) این جمله مأثوره به «مأمون عباسی» نسبت داده شده است.

در امثال و حکم دهخدا (ج ۴، ص ۱۸۰۲) نیز - ظاهراً به استناد تاریخ بیهقی - به مأمون عباسی منسوب شده است.

ص ۷۳: إذا غامرت ... آن گاه که انجام کاری را خواستی، به پایین‌تر از ستارگان، خرسند و قانع مباش! زیرا مزه مرگ در کارهای خرد و حقیر، همانند مزه آن در کاری بزرگ است.

نیز رجوع شود به: ترجمه ادب و جیز به ضمیمه اخلاق محتشمی، چاپ محمدتقی دانش‌پژوه، طهران، ۱۳۶۱ ص ۵۱۳ و کیله و دمنه بهرامشاهی، طبع مینوی، ص ۶۳ و ترجمه تاریخ مینوی، چاپ دکتر شعار ص ۶۲ و جهانگشای جوینی، طبع محمد قزوینی، ج ۱ ص ۶۵ که تنها بیت اول نقل شده است.

ص ۷۳: گر لابد ... در کشف الاسرار، چاپ علی اصغر حکمت، ج ۱، ص ۱۶۲ منقول است.

ص ۷۴: سَكَتٌ ... هزاران بار ساکت بود و آن گاه که به سخن گفتن درآمد؛ سخنان ناروا و بی‌ارزش گفت ضمناً یادداشتهای قزوینی، چاپ اول افشار، ج ۸، ص ۳۲۰ دیده شود.

ص ۷۴: وَالْحُبُّ ... دوستی (عشق راستین) آن است که زبان عاشقان را، از سخن گفتن باز ندارد. مصراعی از زبانی است از «متنبی» که حکم مثل سایر را پیدا کرده است و مصرع بعد از آن چنین است: «وَأَلَدُّ شَكْوَى عَاشِقٍ مَا أَعْلَنَّا». دیوان متنبی، مصر ۱۹۳۸ م. جزء ۴.

ص ۷۴: الدَّوْلَةُ ... نیکبختی، پیشامدهای خوش باشد.

در اسرار التوحید، چاپ دکتر صفا، ص ۳۱۴؛ نفثة المصدور، تصحیح و توضیح دکتر امیرحسین یزدگردی ص ۳۸؛ راحة الصدور، با تصحیحات لازم از مجتبی مینوی طهران ۱۳۳۳، ص ۹۵؛ تاریخ و صاف، طبع هند ۱۳۳۳ ق. ص ۷۳ به کار رفته است. در مأخذ اخیر به صورت: «مَا الدَّوْلَةُ إِلَّا الْإِتِّفَاقَاتُ حَسَنَةٌ» به کار رفته است.

ص ۷۵: شب رفت و ... نفثة المصدور زیدری، طبع دکتر یزدگردی، ص ۱۱۱ و تعلیقات آن؛ فیه مایه، چاپ بدیع الزمان فروزانفر ص ۳۳۷؛ رباعیات مولانا، طبع استانبول، ص ۱۷۰؛ امثال و حکم دهخدا ج ۲، ص ۱۰۱۵؛ سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، سعید نفیسی

۱۳۶، ص ۴۹؛ اغراض السیاسة، چاپ دکتر جعفر شعار، ص ۲۴۴؛ مجموعه آثار فارسی احمد غزالی، چاپ احمد مجاهد، ص ۲۳۷؛ کلیات دیوان کبیر، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، ج ۸ ص ۱۶۰ (رباعی شماره ۹۴۸) ... دیده شود. بعضی از اشعاری که در کلیات شمس، به نام مولوی ضبط گردیده است - از جمله بیت ما نحن فیه - مسلماً از مولوی نتواند بود ... مضمون شعر، همانند این بیت تازی است (مجموعه آثار فارسی احمد غزالی، ص ۲۳۷):

أَلَّيْلٌ مَضَىٰ وَ مَا انْقَصَتْ قِصَّتُنَا لِأَذْنِبَ لَهُ حَدِيثُنَا طَالٌ وَ طَالٌ

ص ۷۷: مَنْ لَمْ يُؤَدِّبْهُ ... در بعضی از متون قدیم به کار برده شده است؛ از جمله به: منتخب قابوسنامه، چاپ سعید نفیسی، ص ۱۲۸ (باب بیست و هفتم) قابوسنامه طبع دکتر غلامحسین یوسفی، ص ۱۳۵؛ نقد حال، مجتبی مینوی ص ۸۸ به نقل از «مختصر فی الامثال و الاشعار» تألیف حسن بن ابراهیم سلماسی - که به صورت ... آباؤه ادبه اعداؤه ضبط شده است؛ جهانگشای جونی، چاپ علامه، محمد قزوینی، ج ۳، ص ۶۴ - که به صورت نثر نقل گردیده است؛ فرائد السلوک، طهران ۱۳۱۷ ش ص ۱۲۸ و نیز توضیحات مرحوم قزوینی در حواشی و اضافات جهانگشای جونی (ج ۳، ص ۲۹۹ - ۳۰۰) و یادداشت شادروان محمدتقی مدرّس رضوی در تعلیقات حدیقة الحقیقة، ص ۵۳۳ رجوع شود.

ص ۷۷: کیرا سیرکه ... در امثال و حکم دهخدا، ج ۳، ص ۱۲۵۳، به نام فردوسی ضبط گردیده است. همچنین سنجیده شود با شعری از قرّة العیون، در امثال و حکم، ج ۳، ص ۱۲۰۹، س ۲۱.

این بیت در جواهر الاسمار (طوطی نامه) شمس آل احمد، بنیاد فرهنگ ایران ص ۵۱۵ هم مذکور است.

ص ۸۰: داستان زن و گوسفند و پیلان و حمدونگان:

این داستان، در نامه تشر، به سعی و تحقیق مجتبی مینوی، طهران ۱۳۱۱ شمسی ص ۳۰ و مابعد درج گردیده است. در جواهر الاسمار (طوطی نامه)، تألیف عمادالدین نعری (یا: بعری) به اهتمام شمس آل احمد، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ص ۴۸۸ و بعد روایتی دیگر از این داستان آمده است.

ص ۸۲: هرچه درآینه ... نام گوینده بیت را نیافتیم؛ اما در بعضی از متون قدیم به کار رفته است:

به جهانگشای جونی، چاپ قزوینی ج ۲ ص ۸۰؛ امثال و حکم دهخدا، ج ۱ ص ۴۹ و

ج ۴ ص ۱۹۲۰ (به نقل از تاریخ سلاجقه کرمان) جواهرالاسمار، به تصحیح آل احمد، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۸۲؛ جوامع الحکایات جزء دوّم از قسم سوّم چاپ بنیاد فرهنگ ایران، ص ۲۵۱ و ... مراجعه شود.

ص ۸۵: سوف تری ... هنگامی که گرد و غبار فرونشیند، خواهی دید که اسبی به زیر ران خود داری یا بر خری نشسته‌ای.

این بیت که در رساله عینیّه از مجموعه آثار فارسی احمد غزالی چاپ احمد مجاهد دانشگاه طهران ۱۳۷۰ ش. ص ۲۱۵ هم آمده است؛ همراه است با ترجمه‌ای منظوم:

چو بنشیند غبار، شک برخیزد کاسب است به زیر رانت یا لاشه خری
همچنین به التوسل الی التوسل، از بهاء الدین محمد بن مؤید بغدادی، به تصحیح احمد بهمینیار، طهران، ۱۳۱۵ ش. ص ۲۱۱ و فرائد السلوک، طهران ۱۳۶۸ شمسی، ص ۳۲۷ نگرسته شود.

ص ۸۶: داستان کذخدای با زن و طوطی ... جفری چایس (Geoffry Chaucer) شاعر معروف انگلیسی که هم عصر حافظ بزرگ ما بوده است و در سال ۸۰۵ هجری قمری، فوت کرده است؛ در یکی از قصه‌های کتاب مشهور خود، به نام «حکایات کنتربوری» به این داستان، اشاره کرده است؛ به پانزده گفتار، نوشته مجتبی مینوی چاپ دوّم ص ۱۱۱ ح رجوع شود.

ص ۸۷: فقی فؤاد... در دل دوستدار، آتش عشقی است که سرد شده آن، از آتش دوزخ سوزنده‌تر است. سعدی نیز گفته است (غزلیات)، طبع محمد علی فروغی ص (۱۵۷): آتشکده است باطن سعدی ز سوز عشق (سوزی که در دل است، در اشعار بنگرید). این بیت تازی در جواهرالاسمار نیز بکار برده شده است: ص ۸۷ جواهرالاسمار، چاپ بنیاد فرهنگ ایران دیده شود.

ص ۸۸: العیور... خر تیز می دهد، در حالی که آلت داغ کردن بر روی آتش است. به مرزبان‌نامه چاپ بنیاد فرهنگ ایران ج ۱ ص ۳۸۵ مراجعه گردد.

ص ۸۸: یار اقد اللیل... ای کسی که در اول شب، شادمان خوابیده‌ای! آگاه باش! که حادثه‌ها گاهی در سحرگان روی می دهد.

به این بیت در بسیاری از متنهای دیرینه‌سال فارسی، استشهد شده است. از جمله نگاه کنید به: تاریخ بیهقی، چاپ قدیم دکتر فیاض، ص ۲۲۶ و چاپ ۱۳۵۰ ص ۲۹۰؛

مجموعه آثار فارسی احمد غزالی، به تصحیح احمد مجاهد، ص ۲۱۰؛ کشف الاسرار، طبع علی اصغر حکمت، ج ۱، ص ۲۸۷ و ج ۱۰ ص ۴۵۱؛ بختیارنامه، دکتر صفا، ص ۱۳۳؛ مرزبان‌نامه، طبع قزوینی، ص ۲۶۵؛ لمعة السراج (بختیارنامه) به تصحیح محمد روشن، ص ۱۵۸؛ نفقة المصدر، تصحیح و تحشیه دکتر امیرحسین یزدگردی ص ۲۰ و تعلیقات ص ۱۵۱؛ جهانگشای جوبنی، چاپ علامه قزوینی، ج ۲ ص ۱۵۹؛ تاریخ و صّاف، هند، ۱۳۳۳ قمری، ص ۳۰۵؛ دُرّه نادره، به تصحیح دکتر شهیدی انجمن آثار ملی، ص ۶۸۲؛ تجربه الاحرار، با تصحیح و توضیحات حسن قاضی طباطبایی، ج ۱، ص ۴۷۴ و فرائد السلوک، طهران، ۱۳۶۸، ص ۲۱۹. در حواشی تاریخ و صّاف (ص ۳۰۵ ح) این بیت، از آن «عدی بن زید التیمی» دانسته شده است و در تعلیقات تجربه الاحرار (۴۷۴/۱) به استناد «حیوة الحیوان» از دمیری، ذیل مادّه «قطا»، به «ابن رومی» منسوب گردیده است. در اغانی، ج ۲، ص ۳۲ به امری القیس و در البصائر و الذّخائر، ج ۱، ص ۴۳ به «ابن السّکّیت» نسبت داده شده است.

اما، مجتبی مینوی، استاد روزگار ما، در یادداشت‌های عالمانه خود، به استناد معجم الشعراء مرزبانی، ص ۴۲۹، گوینده بیت را «محمد بن حازم الباهلی» دانسته است. ص ۹۰: سَتَبْدی لَک ... روزگار بزودی، آنچه را برای تو آشکار می‌کند که نمی‌دانی و کسی خبرها را برای تو می‌آورد؛ که تو (برای خبر آوردن) به او توشه‌ای نداده باشی (یا: نداده‌ای).

کلیله و دمنه بهرامشاهی، چاپ اول مینوی ص ۳۱۷ (فقط مصراع دوم آمده است)؛ تاریخ بیهقی چاپ احمد بهمنیار ص ۷؛ کشف الاسرار و عدّه الايراد به تصحیح و مراقبت علی اصغر حکمت، ج ۸، ص ۲۴۵؛ مجموعه آثار فارسی احمد غزالی، طبع احمد مجاهد، ص ۲۴۸؛ معلقات سبع، ترجمه عبدالمحمد آیتی طهران، ۱۳۴۵ ش. ص ۴۸؛ تاریخ و صّاف، چاپ هند، ص ۹ و ... از مدّ نظر گذرانیده شود.

ص ۹۰: قصّه یوسف ... از ابیات معروف سنایی غزنوی است: دیوان، چاپ مدرّس رضوی ص ۱۸۰ نگریسته شود که در آنجا، مطلع قصیده‌ای است در مدح بهرامشاه غزنوی.

ص ۹۱: مَنْ أَكَلْ ... آن کس که گوشت‌های سرخ‌کرده سنگین را بخورد: باید بر سختی‌هایش شکبیا باشد.

ص ۹۲: رِضَاکَ رِضَايَ ... سعدی، مفهوم این بیت تازی را چنین به فارسی درآورده است (غزلیات، چاپ فروغی، به ترتیب صفحات ۴۷ و ۱۳۶):

«نه اختیار من است این معاملات، لیکن رضای دوست، مقدّم بر اختیار من است»

* * *

«پیام ما که رساند به خدمتش که: رضا

رضای تُست، گَرَم خسته داری ار خشنود»

ص ۹۴: دَعْ ذِكْرَهُنَّ ... فرو نه یاد آنها را، چه، آنان را وفایی نیست. باد صبا و پیمانهای آنها [در ناپایداری] همانند است.

این بیت، از جمله ابیاتی است که در پاره‌ای از کتب قدیم ما، به کار برده شده است و غالباً به «مولا علی بن ابی طالب» (ع) منسوب گردیده است.

در شرحی خطّی بر دیوان آن بزرگوار (یا: دیوان منسوب بدان حضرت) و نیز شرح‌های چاپی، این بیت فارسی، در ترجمه بیت مورد بحث آمده است:

«بمان ذکر زنان بی وفا را که عهد جمله، چون باد صبا شد»

به طوطی‌نامه نخشی، چاپ دکتر مجتبیایی - دکتر آریا، طهران، ۱۳۷۲، ص ۴۰۹؛
بخیارنامه، تصحیح دکتر صفا، از انتشارات دانشگاه طهران، ص ۱۷۲؛ جوامع‌الحکایات،
جزء دوم، از قسم سوم، چاپ بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳ ش، ص ۷۴۴ و ... مراجعه شود.
ص ۹۴: زن چو ... با بیت بعد، از انوری ایبوردی است: دیوان، چاپ مدرّس
رضوی، ج ۲، ص ۶۳۰ دیده شود.

ص ۹۵: أَلَيْسَاءُ ... به شرح فارسی شهاب‌الآخبار، چاپ دانش‌پژوه، ۱۳۴۹، ص ۱۱،
فقره ۴۵ و ترک‌الاطاب، تصحیح محمد شیروانی، ص ۳۰، فقره ۴۲ و اغراض‌السیاسة فی
اعراض‌الزیاسة، به تصحیح دکتر جعفر شعار، دانشگاه طهران ۱۳۴۹ ص ۲۶۰ و
جوامع‌الحکایات و لوامع‌الزّوایات، بنیاد فرهنگ ایران، قسم ۳ جزء ۲ ص ۷۲۴ رجوع گردد.
ص ۹۸: كَأَنَّ نُجُومَ ... از ابیات نامبردار «متنبی» است؛ از قصیده‌ای به مطلع
(دیوان، عبدالرحمن البرقونی، جزء اول، ص ۱۹۵):

قَدَیْنَاکِ مِنْ رُبْعٍ وَإِنْ زِدْ تَنَاکُرِبَا فَإِنَّکَ کُنْتَ الشَّرْقُ لِلشَّمْسِ وَالْغَرْبَا

بیت مورد بحث در دُرّة نادره، به تصحیح و تحشیه دکتر شهیدی، ص ۳۳۶ نیز بکار
رفته است.

ص ۹۸: باران دو صد ... این بیت که در برخی از کتب، مانند کلیله و دمنه بهرامشاهی
چاپ مینوی ص ۱۱۴ و در تفسیر سوره یوسف، به اهتمام محمد روشن ص ۴۳۶ و ... به
استشهاد آمده است؛ از اشعار عمادی شهریاری است.

ص ۱۰۱: خَرِیدَة ... سعدی نیز گفته است (غزلیات، چاپ فروغی، ص ۳۰۹):

گر، به کنار آسمان، چون تو برآید اختری

روی بپوشد آفتاب، از نظرش به معجری

ص ۱۰۱: فِیَا لَیْت... از اشعار معروف «متنبی» شاعر شیعی مذهب تازی زبان

است. شرح دیوان متنبی، طبع عبدالرحمن البرقوقی، مجلد اول، ص ۲۷۶ و مجله دانشکده ادبیات مشهد، سال چهارم، شماره چهارم زمستان ۱۳۴۷ (مضامین مشترک در عربی و فارسی، دیده شود). در کلیل و دمنه بهرامشاهی، ص ۱۸۸ هم آمده است.

ص ۱۰۴: شب هست ... در کشف الاسرار و عذة الابرار، چاپ علی اصغر حکمت، ج

۱ ص ۵۳ و ج ۵، ص ۵۰۲ هم به کار رفته است؛ اما نام گوینده آن بر من معلوم نشد.

ص ۱۰۴: أَصَبْتُ ... در بعض از کتب، از جمله، مرزبان نامه، چاپ بنیاد فرهنگ

ایران، ج ۱، ص ۱۶۹؛ تاریخ و صاف، طبع هند، ص ۶۵ و ۳۰۵؛ مصباح الهدایه، عزالدین محمود کاشانی، به تصحیح جلال الدین همایی، طهران، ۱۳۲۳، ص ۳۸ و نیز ص ۳۰۱ سندبادهامه و ... به آن استناد شده است.

ص ۱۰۴: آب جمال ... این بیت انوری، در بختیارنامه، چاپ دکتر صفا، ص ۱۸ هم

به کار رفته است.

ص ۱۰۵: اَهْلًا بِسَعْدِی ... به اسرار التوحید، طبع دکتر صفا، ص ۱۰۰ نگریسته شود.

ص ۱۰۵: اِکْرَامُ اَهْلِ ... به بختیارنامه، دکتر صفا، ص ۲۲ و مکتوبات مولوی، چاپ

دکتر توفیق سبحانی، طهران، ۱۳۷۱، ص ۹۲، ۱۱۴ و ۱۵۲ رجوع گردد.

ص ۱۰۶: رَقُّ الرُّجَاجِ ... این شعر در بعضی از کتابها و نوشته های کهن، به

استشهاد آورده شده است. از جمله: مرزبان نامه، ص ۵؛ راحة الصدور راوندی، با تصحیحات مینوی طهران ۱۳۳۳ شمسی، ص ۴۲۵؛ حدائق الشعر، طبع عباس اقبال آشتیانی، طهران، ۱۳۰۸، ص ۴۸؛ مصباح الهدایه، جلال همایی، ص ۳۶ و ۴۰۵؛ مرصاد العباد، به تصحیح دکتر محمدامین ریاحی، طهران، ۱۳۵۲، ص ۴۰۶؛ هنجار گفتار، نصرالله تقوی، طهران ۱۳۱۷، ص ۱۶۵؛ رساله صاحب بن عبّاد، احمد بهمنیار ص ۱۸۵ و مجله دانشکده ادبیات طهران، سال ۱۸، ش ۱، ص ۱۳۴ دیده شود.

بعضی از شاعران فارسی زبان ما، مضمون این دو بیت تازی «صاحب بن عبّاد» را

به شعر فارسی در آورده اند که در کتب ادب، نام و شعر آنان ضبط شده است.

کوکبی مروزی گوید (لباب الالباب، سعید نفیسی، طهران، ۱۳۳۵، ص ۲۹۷):

قدح و باده، هر دو از صفوت همچو ماه دو هفته داد اثر

یا قدح، بی می است یا می ناب بی قدح در هوا، شگفت نگر!
کسایی مَروزی گفته است (تاریخ ادبیات در ایران، دکتر صفا، ج ۱، ص ۴۴۷؛
باب الالباب، نفیسی، ص ۲۷۱):

وان صافی که چون به کف دست بر نهی کف از قدح ندانی، نی از قدح نَبید
غضایری رازی نیز، همین مضمون را چنین آورده است (تاریخ ادبیات فروغی، ص
۲۱۱):

باده به من داد و از لطافت گفتم جام به من داده، ولیک باده نداده است
فخرالدین ابراهیم عراقی هم می گوید (دیوان، چاپ دوّم سعید نفیسی، ص ۳۷۵):
از صفای می و لطافت جام در هم آمیخت رنگ جام و مدام
همه جام است و نیست گویی می یا مدام است و نیست گویی جام
در آثار خامه سعدی نیز، به چنین مضمونی با لطف و دقتی بیشتر، آن گونه که
شیوه وی است برمی خوریم. (غزلیات، چاپ فروغی، ص ۱۹۶):

در آبگینه اش آبی که گر قیاس کنی ندانی، آب کدام است و آبگینه کدام
ص ۱۱۱: به حبابلِ گُفتار چون گُفتار ... رجوع شود به یادداشتهای قزوینی، چاپ
افشار، ج ۷ ص ۴۱ و کلیله و دمنه بهرامشاهی مینوی، ص ۲۱۵-۲۱۶ و حواشی دیوان ناصر
خسرو، چاپ اول ص ۶۷۶ و امثال و حکم دهخدا، ذیلِ مَثَلِ کُفتار و تاریخ و صَاف، هند،
۱۳۳۳ قمری، ص ۶۵.

ص ۱۱۲: شاورورهن ... به احادیث مشوی، بدیع الزمان فروزانفر، ص ۳۰؛
جوامع الحکایات و لواعم الرّویات، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، قسم سوّم، جزء دوّم، ص
۷۰۹ و ... رجوع گردد.

ص ۱۱۲: الرّجال ... سورة نساء، آیه ۳۸ دیده شود.

ص ۱۱۲: اِنَّهِنَّ ... به جواهر الاسمار (طوطی نامه) چاپ شمس آل احمد بنیاد فرهنگ
ایران، ص ۲۶ نگریسته شود.

ص ۱۱۳: پادزهر ... این بیت که در بعضی از کتب قدیم ما، مانند تفسیر ابوالفتح
رازی، ج ۲، ص ۳۸۶ و قابوسنامه، چاپ هدایت، ص ۶۰ و منتخب قابوسنامه، طبع نفیسی،
ص ۷۶ و ... آمده است؛ در اشعار پراکنده، ژیلبر لازار، طهران ۱۳۶۱ ج ۲ ص ۱۲۲ به
ابوشکور بلخی نسبت داده شده است.

ص ۱۱۴: داستان گازر و پسر و خر و گرداب ... این داستان در مجموعه هزار و یک

شب، ترجمه عبداللطیف طسوجی، ج ۴، چاپ دوم، طهران، ۱۳۳۷ ش، ص ۱۱-۱۲ دیده می‌شود.

ص ۱۱۵: خَیر الطَّیور... در بختیارنامه، طبع دکتر صفا، ص ۵ به کار برده شده است. ناصر خسرو هم گوید (دیوان، مینوی - محقق، ص ۹۳):

به بانگ خوش گرامی شد، سوی مردم هزار آوا

وزان خوار است زاغ آیدون که خوب و خوش بنسراید

به تحلیل اشعار ناصر خسرو، دکتر مهدی محقق، ص ۵۸ رجوع شود.

ص ۱۱۵: مُدبِر نکند... بی ذکر نام گوینده در جهانگشای جوبنی، طبع قزوینی، ج ۳، ص ۲۴ نقل گردیده است.

ص ۱۱۶: الْغَرِیْقُ... روایتهای مخلفی از این «مَثَل» در کتابهای قدیم ما آمده است. از جمله در طوطی‌نامه (جواهرالاسماز) چاپ بنیاد فرهنگ ایران، ص ۴۸۹ به صورت: «الغریق یتعلّق بکلّ حشیش» دیده می‌شود. به امثال و حکم، علی اکبر دهخدا، ص ۲۶۴ رجوع گردد.

ص ۱۲۰: در فشان لانه... و دو بیت فارسی و تازی که پس از آن آمده است؛ جز از کلیله و دمنه مینوی، ص ۱۵۸ در جواهرالاسماز (طوطی‌نامه) نیز ص ۵۲۳ (از چاپ بنیاد فرهنگ ایران) منقول است.

ص ۱۲۳: کارها را... این بیت که به اشعار حدیقه سنایی می‌ماند؛ در راحة الصدور راوندی، چاپ طهران، ۱۳۳۳، ص ۱۷۱ و جهانگشای جوبنی، چاپ قزوینی، ج ۲، ص ۱۱۴ هم به کار رفته است، اما در حدیقه، چاپ اول مدرّس رضوی نیافتمش.

ص ۱۲۵: کَیْس... مثلی است که در بعضی از کتب ما از جمله در تاریخ و صّاف (هند، ۱۳۳۳ ق، ص ۵۲) و التّوسّل الی التّرسّل، چاپ بهمینار، ص ۳۳۵ و... دیده می‌شود. در روایتی دیگر از آن، به جای «العیان»، «المعاینه» آمده است؛ الجامع الصّغیر سیوطی، قاهره، ۱۳۲۵ ق، ج ۲، ص ۱۳۴ دیده شود. ناصر خسرو نیز گوید (دیوان، مینوی - محقق، ص ۲۱۱):

ای کرده قال و قیل ترا شیدا
هیچ از خبر شدت به عیان پیدا؟

ص ۱۲۵: گمان معاینه... در باب این بیت و نام گوینده آن، بنگرید به: احوال و اشعار رودکی، سعید نفیسی، ص ۴۵۸ و ۴۶۱؛ امثال و حکم دهخدا، ج ۴، ص ۱۲۰۱ و دیوان سنایی، به تصحیح محمدتقی مدرّس رضوی، طهران، ۱۳۴۱، ص ۸۶۱، که از غزلی است

به مطلع:

مرا لبان تو باید، شکر چه سود کند؟ به جای مهر تو، مهر دگر چه سود کند؟
و نیز اسرار التوحید، طبع دکتر صفا، ص ۱۱۱ و یادداشت متعلق به صفحه ۱۳۰
همین کتاب.

ص ۱۲۶: مشتاب ... به کلیله و دمنه، مینوی، ص ۱۵۴ و جواهر الاسمار ص ۱۶۰
نگریسته شود.

ص ۱۲۶: سَتْدُ کَرْنی ... به مرزبان نامه، طبع قزوینی، ص ۲۱۰ و نفثة المصدور، چاپ
دکتر یزدگردی، ص ۱۰ و تعلیقات مربوط به آن مراجعه شود.

ص ۱۲۶: شتابندگی ... به شاهنامه فردوسی، ج ۲، ص ۵۸۰ (با اختلاف در الفاظ) و
تحلیل اشعار ناصر خسرو، دکتر محقق، از سلسله انتشارات دانشگاه تهران، ص ۵۶ نگاه
کنید.

ص ۱۲۸: عَجِبْتُ ... در بختیار نامه، دکتر صفا، ص ۸۰ نیز منقول است.
ص ۱۲۸: دردا و دریغا ... نام گوینده بیت، مانند چندین بیت دیگر، یافته نشد. اما
در بعضی از کتابهای کهن مانند تفسیر ابوالفتح رازی ج ۲ ص ۱۹۴؛ کشف الاسرار و
عُدَّة الابرار، چاپ علی اصغر حکمت ج ۲ ص ۲۶۰؛ تفسیر سورة یوسف، به اهتمام محمد
روشن، طهران، ۱۳۵۶، ص ۱۲۵؛ آثار فارسی احمد غزالی، طبع احمد مجاهد، ص ۲۱۶ و ...
به کار برده شده است.

ص ۱۲۹: داستان زن صاحب جمال با مرد بقال ... نگاه کنید به هزار و یک شب،
ترجمه عبداللطیف طسوجی، ج ۴، چاپ دوم، طهران ۱۳۳۷، ص ۲۱۱۹ و طوطی نامه،
ضیاء نخشبی، به تصحیح و تعلیقات دکتر فتح الله مجتبیایی - دکتر غلامعلی آریا، طهران،
۱۳۷۲ ش، ص ۸۲.

ص ۱۳۰: مرالبان ... به احوال و اشعار رودکی، سعید نفیسی، ص ۴۶۱؛ کلیات شمس،
بدیع الزمان فروزانفر، ج دوم، ص ۲۲۴؛ معارف محقق ترمذی، چاپ فروزانفر، ص ۴۰ و
۱۳۴؛ دیوان سنایی، مدرّس رضوی، ص ۸۶۱ و نامه های عین القضات، ج ۱، ص ۲۲ و ...
مراجعه شود. یادداشت متعلق به صفحه ۱۲۵ سندبادنامه هم نگریسته شود. در منابع
مختلف، اختلاف در الفاظ وجود دارد؛ اما نام گوینده شعر را توانستم، معلوم کنم.

ص ۱۳۲: اذا صَحَّ ... بیت در دیوان متنبی (شرح دیوان المتنبی، عبدالرحمن
البرقوقی، مصر، ۱۹۳۸ م، یا چاپ بیروت، ج ۱، ص ۳۲۷ با «اِذَا تَلَّتْ» شروع می شود.

در تاریخ و صَاف، طبع هند، ۱۳۳۳ ق.، ص ۲۱۳ که این بیت در آنجا آمده است، حاشیه‌نویس، شعر را، از جمله اشعار «ابی فراس الحَمْدانی» دانسته است در مدح سیف‌الدوله.

ص ۱۳۴: یا اَعْدَلُ ... این بیت، جز در کلیله و دمنه مینوی، ص ۱۳۶؛ در جواهرالاسمار، ص ۱۰۳ نیز به کار رفته است. سعدی فرموده است (گلستان، چاپ قریب، ص ۴۴ و چاپ فروغی، ص ۳۹؛ غزلیات طبع فروغی، صفحات ۱۳۱ و ۳۰۶):
پیش که برآورم ز دستت فریاد هم پیش تو، از دست تو گر خواهم داد

* * *

زین امیران ملاحظت که تو بینی، بر کس

به شکایت نتوان رفت که خصم و حکمند

* * *

هرچه کنی، تو. بر حق، حاکم و دست مطلق

پیش که داوری برند از تو، که خصم و داوری

در تاریخ بیهق آمده است (چاپ احمد بهمنیار، ص ۲۵۹):

وز همه نادرتر است این خود که اندر یک زمان

هم کنی خصمی و هم اندر میان داور شوی

ص ۱۳۴: داستان شاهزاده با وزیر و غولان ... نگاه کنید به هزار و یک شب، ترجمه

طسوجی، ج ۴، ۱۳۳۷، ص ۱۶-۱۸.

ص ۱۳۵: آراست بهار ... بیت از ستایی غزنوی است: دیوان، چاپ رضوی، ص

۱۱۴۷ دیده شود.

ص ۱۳۷: توانگری و ... این بیت، مطلع قصیده‌ای است از امیر معزی، در مدح

ابوشجاع حبشی ابن آلتون تاق؛ ابیات مابعد نیز از همین قصیده است: به دیوان امیر معزی،

به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، طهران، ۱۳۱۸ ص ۲۳۰ رجوع گردد.

عبید زاکانی نیز در قصیده‌ای به مطلع (کلیات، طهران، ۱۳۴۰، ص ۲۴):

گذشت روزه و سرما، رسید عید و بهار

کجاست ساقی ما، گوبیا و باده بیار

که در ستایش شاه شیخ ابواسحاق سروده است، با تضمین شعر معزی گفته

است:

غنیمت است، غنیمت شمار و فرصت دان

«توانگری و جوانی و عشق و بوی بهار»

بیا و بزم طرب ساز کن که خوش باشد

شراب و سبزه و آب روان و روی نگار

ص ۱۳۸: اینک می بینم ... مطلع قصیده‌ای است در مدح صاحب مجدالدین

ابوالحسن عمرانی، از انوری ابیوردی که در دیوان او، طبع مدرّس رضوی، ج ۱ (چاپ دوم) ص ۲۵ ضبط شده است. در فرائدالسلوک، طهران ۱۳۶۸، ص ۱۷۴ هم به عنوان تمثّل دیده می‌شود.

ص ۱۳۸: یا مقبلاً ... به بختیارنامه، چاپ دکتر صفا، طهران، ۱۳۴۵، ص ۱۸ رجوع

گردد.

ص ۱۳۸: حورا مگر ... مطلع ترکیب‌بندی است در مدح خواجه فخرالملک از

امیر معزّی نیشابوری (دیوان، طبع اقبال، ص ۷۴۳) که در فرائدالسلوک نیز، ص ۳۹۴، چاپ طهران ۱۳۶۸، نقل گردیده است.

موضوع «هرب من الرضوان» که از مضامین تازی است، جز در شعر معزّی، در

اشعار بعضی دیگر از شاعران آن روزگار هم دیده می‌شود. فرّخی سیستانی گوید (دیوان، دکتر دبیر سیاقی طهران، ۱۳۳۵، ص ۲۷۱):

ای نیم‌شب گریخته از رضوان و ندر شکنج زلف شده پنهان

مسعود سعد سلمان نیز گفته است (دیوان، رشید یاسمی، طهران، ۱۳۳۹، ص

(۱۳):

گفتم که: چگونه جستی از رضوان ای بچه نازپرور حورا

ص ۱۴۰: وَالْقَرُصُ ... به نهج البلاغه، چاپ دکتر صبحی صالح، ص ۴۷۱ و امثال و

حکم دهخدا، ص ۲۶۵ رجوع شود. نیز مقایسه گردد با قرآن مجید: سوره بیست و هفتم، آیه هشتاد و هشتم.

نمونه نظم و نثر فارسی، چاپ حبیب یغمایی، ص ۶ و ۸۷ و جواهرالاسمار، ص

۱۵۱ هم دیده شود.

ص ۱۴۰: رَبِّ شَهْوَةَ ... که پیش‌تر نیز در همین کتاب، ص ۳۴، به صورت «وَلَرَبِّ

درج گردیده بود؛ جز در متن سندبادنامه که مؤلف کتاب آن را به عنوان «خبر» آورده است؛ در ترک‌الاطناب فی شرح الشّهاب (یا مختصر فصل الخطاب) به تصحیح و تحشیه

محمد شیروانی، از انتشارات دانشگاه طهران، ۱۳۴۳، ص ۷۵۵، فقرة ۹۱۴، بصورت «الآ»
«حدیث» دانسته شده است.

در دیوان «أَبُو الْعَتَاهِيَّة» بیروت، ۱۸۸۸ م، ص ۲۱۸ به شکل زیر نقل آمده است
که ظاهراً این انتساب درست باشد:

وَلَرَبِّ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ قَدْ أَوْرَثَتْ حُزْنًا طَوِيلًا

ص ۱۴۲: يَا مَنْ يُجِيبُ ... بی شک، می‌بایست به صورت «أَمَّن ...» نوشته و چاپ
می‌شد. با قرآن مجید، سوره تَمَلُّ، آیه ۶۲ سنجیده شود.

ص ۱۴۳: به زمزم و ... از سوگندنامه معروف (ادیب صابری) ترمذی (شهاب‌الدین -
صابرین اسمعیل) مقتول در حدود ۵۴۲ ق. است، از مداحان سنجر سلجوقی به مطلع:
تم به مهر اسیر است و دل به عشق فدی همی به گوش من آید ز لفظ عشق ندی
به مونس الاحرار، محمد بن بدر جاجرمی، به اهتمام میر صالح طیبی، ج ۱
طهران ۱۳۳۷ ش. ص ۲۰۵ (= ۲۰۱) رجوع گردد.

ص ۱۴۵: فَإِنَّ الْجُرْحَ ... کیله و دمنه بهرامشاهی، چاپ ۱۳۴۳، ص ۳۴۶ دیده شود.
ص ۱۴۹: زَمَانِي الدَّهْرُ ... جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی، در همین موضوع گوید
(دیوان، طهران، ۱۳۲۰ ش.، ص ۸۰):

نماند تیری در ترکش قضا که فلک سوی دلم به سرانگشت امتحان نگشود
چو خارپشتی گشتم ز تیر آزارش که موی بر تن صبرم ز تیر او بشخود
نیز رجوع شود به: شَدَّ الْأَزَارُ، محمد قزوینی - عباس اقبال، طهران، ۱۳۲۸ ش.، ص
۴۴۱؛ عتبة الكتبه، ص ۱۱۳؛ بختیارنامه، دکتر صفا، ص ۱۸۳ و نفثة المصدور به تصحیح دکتر
یزدگردی، ص ۷ و تعلیقات متعلق به آن.

ص ۱۵۰: مَنْ مَاتَ ... به ترجمه رساله فنیتره، بدیع الزمان فروزانفر، ص ۵۶۸ و
مجله دانشکده ادبیات طهران، شماره پی در پی ۸۹، ص ۱۸۴ مراجعه شود.

ص ۱۵۰: گفت خوبان ... از ابیات سنایی غزنوی است: به حدیقة الحقیقه، چاپ اول
مدرّص رضوی، ص ۳۲۷ رجوع گردد.

ص ۱۵۲: أَلْوَلْدُ ... رجوع شود به: ترک الاطباب، تصحیح محمد شیروانی ص ۱۳؛
ترجمه شهاب الاخبار، تصحیح دانش‌پژوه، ص ۱۱، فقرة ۷؛ اخلاق محتمشی، محمد تقی
دانش‌پژوه، ص ۴۱۷ و ترجمه جاویدان خرد، به کوشش دانش‌پژوه، از انتشارات دانشگاه
طهران، ص ۱۱۴.

ص ۱۵۳: الظلم ... به تاریخ و صاف، چاپ هند، ص ۲۹۷ و امثال و حکم دهخدا، ج

۲، ص ۱۱۳۵ و منتبّی و سعدی، دکتر محفوظ، ۱۳۳۸ ص ۱۹۱ مراجعه شود. مصراع دوّم بیت تازی، در سندبادنامه، ص ۱۹۹ نقل گردیده است. سعدی هم در بوستان (چاپ فروغی، ص ۱۵) گوید:

چراغی که بیوه زنی برفروخت بسی دیده باشی که شهری بسوخت
ص ۱۵۴: این است همیشه ... در جهانگشای جوینی، چاپ محمد قزوینی، ج ۱، ص ۱۵۸ و ج ۳، ص ۴، بدون ذکر نام گوینده مندرج است.

ص ۱۵۴ (و ۲۶۴): *الْتَأْتِي مِن ...* حدیث شمرده شده است و به صورتهای گوناگون نقل گردیده؛ رجوع شود به: جواهرالاسمار، طهران، ۱۳۵۲، ص ۹۱ و جوامع الحکایات، بنیاد فرهنگ ایران، قسم سوّم، جزء ۲، ص ۵۸۱ و ترجمه جاویدان خرد به تصحیح دانش پژوه، ص ۹ و ۷۳. ناصر خسرو می گوید (دیوان، چاپ دانشگاه طهران، ص ۷۵):

بر بید مشتاب ازیرا شتاب بر بدی از سیرت اهریمن است
ص ۱۵۴: داستان زن بازرگان ... نگاه کنید به: طوطی نامه، ضیاء نخشبی به تصحیح دکتر مجتبابی - دکتر آریا، ص ۷۶-۷۷.

ص ۱۵۵: *خَلَالِكَ ...* رجوع شود به دیوان طرّفه بن العبد، تحقیق کرم البستانی، بیروت، ۱۳۸۰ ق. (۱۹۶۱ م.)، ص ۴۶ که در آنجا مصراع اوّل بیت، چنین ضبط شده است: «*يَا لَكَ مِنْ قُبْرَةٍ بِمَعْمِرٍ*»

ص ۱۵۶: امروز جهان ... در جهانگشای جوینی، ج ۲ ص ۱۱۰ با اختلاف در الفاظ منقول است.

ص ۱۵۷: جوانی و از ... از قصیده نرّخی سیستانی است در مدح «سلطان مسعود بن سلطان محمود»:

خوشا عاشقی خاصه وقت جوانی خوشا با پریچه‌رگان زندگانی

به دیوان فرّخی، ص ۳۹۲ و تاریخ ادبیات فروغی، ص ۲۳۳ نگریسته شود.

ص ۱۵۷: چون نیست ... با بیت بعد، از رباعیهای خیّام است، طربخانه رشیدی، چاپ جلال همایی، رباعی شماره ۱۱۹ دیده شود.

ص ۱۵۸: دریغ عهد ... رجوع شود به فرائد السلوک، چاپ طهران، ص ۵۸۳.

ص ۱۵۹: *لَقَدْ طَوَّفْتُ ...* این بیت امرء القیس، عیناً در ص ۲۷۰ تکرار شده است.

ص ۱۶۲: *وَكَاثَتْ ...* در صفحه ۲۳۰ به تکرار آمده است.

ص ۱۶۲: گرد آمده ... در صفحه ۲۳۱ عیناً تکرار گردیده است.

ص ۱۶۳: کسی که ... رجوع شود به کیله و دمه، مینوی، ص ۲۴۵؛ مرزبان‌نامه، چاپ قزوینی، ص ۸۸؛ جوهرالاسمار، ص ۴۶۷ و دیوان سنایی، ص ۱۷۹، که از قصیده‌ای است به مطلع:

درین مقام، طرب بی تعب نخواهی دید

که جای نیک و بد است و سرای پاک و پلید

ص ۱۶۳: کنون که ... مطلع قصیده‌ای است در ستایش خواجه نظام‌الملک از امیر معزی نیشابوری که در دیوان او چاپ اقبال آشتیانی، ص ۲۳۵ ضبط گردیده است.

ص ۱۶۴: روزگار عصیر ... از ابیات بسیار معروف بلفرج رونی است که بعضی از استادان معاصر او را به استقبال از آن وادار کرده است. از جمله انوری، در قصیده‌ای به مدح ناصرالدین با مطلع (دیوان، چاپ مدرّس رضوی، ج ۱، ص ۶۹):

می بیاور که جشن دستور است جشن عالی سرای معمول است

با تضمین مصراعی از بلفرج - از شعر مانحن فیه - گفته است:

هم، از آن سان که بوالفرج گوید: «روزگارِ عصیرِ انگور است»

مسعود سعد سلمان نیز، در قصیده‌ای که به همین وزن و قافیه، در مدح منصور بن

سعید عارض گفته است با مطلع (دیوان، غلامرضا رشید یاسمی، ص ۴۳ - ۴۵):

قوت روح، خون انگور است تن بر او فتنه گشت و معذور است

گوید:

این، بر آن وزن و قافیت گفتم: «روزگارِ عصیرِ انگور است»

عثمان مختاری هم، قصیده‌ای با همین قافیه و ردیف و وزن - فاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ

فَعَلَات (یا: فَعَلُنْ) - در مدح منصور بن سعید عارض لشکر، ممدوح مسعود سعد سلمان

گفته است؛ اگرچه به شعر بلفرج اشاره‌ای نکرده است و از آن بیت یا مصراعی، به

تضمین نیاورده. مطلع شعر وی، این است (دیوان، جلال‌الدین همایی، ترجمه و نشر

کتاب، طهران، ۱۳۴۱، ص ۳۸ و مابعد):

عالم، از نوبهار، پر نور است بوستان، انجمن‌گه حور است

ص ۱۶۵: الْجَوْعُ ... این مصراع که در صفحه ۲۲۰ سندادنامه نیز تکرار شده

است، از اشعار بسیار معروف «متنبی» است که بصورت «مَثَلِ سَائِر» درآمده است و

مصراع ماقبل آن، چنین است «غَيْرَ آخْتِيَارِ قَبْلِيَّتْ بَرَكْ بِي». شرح دیوان‌المتنبی عبدالرحمن

البرقوقي، ۱۹۳۸ م.، المجلد الثاني، ص ۲۳ دیده شود.

ص ۱۶۵: وَكَادَ الْفَقْرُ و ... به شرح فارسی شهاب‌الاکابر، طبع محمدتقی

دانش‌پژوه، ص ۶۹، فقرة ۴۰۱ و گلستان سعدی، چاپ هند، ۱۳۲۷ ق، ص ۶۲ و الجامع‌الضخیر، مصر، ۱۳۵۸ ق، ج ۲، ص ۸۹ مراجعه شود.

ص ۱۶۶: حسد آنجا... این بیت در امثال و حکم دهخدا، ج ۲، ص ۶۹۵ بدون ذکر نام گوینده از تاریخ گیلان میر ظهیرالدین مرعشی نقل شده است.

ص ۱۶۶: نیکویی کن... در امثال و حکم، ج ۴، ص ۱۸۷۴ به «سنایی غزنوی» نسبت داده شده است و بیت ماقبل آن، این است:

غم خوردن این جهان فانی، هوس است از هستی ما، به نیستی یک نفس است

ص ۱۶۷: وَ لِلْأَرْضِ ... مصراع نخستین آن چنین است: «شربنا و اهرقنا

علی الارض جرعة». کشف الاسرار، طبع علی اصغر حکمت، ج ۵ ص ۵۰۲؛ تعلیقات

حدیقه سنایی، مدرّس رضوی، ص ۵۵؛ التوسل الی التوسل، محمّد بن مؤید بغدادی

تصحیح احمد بهمنیار، طهران، ۱۳۱۵، ص ۲۵۶؛ معارف بهاء ولد، چاپ فروزانفر، ص ۹۴

و تعلیقات متعلق به آن؛ فیه ما فیه، فروزانفر، ص ۲۷۰ و ۲۸۷؛ امثال و حکم دهخدا، ج ۴،

ص ۱۸۹۵؛ مرصادالعباد، دکتر محمّدامین ریاحی، طهران، ۱۳۵۲، ص ۳۵۶ و ۶۴۴؛

فرائدالسلوک، چاپ طهران، ۱۳۶۸، ص ۴۵۴؛ مجلّة یادگار، سال اوّل، شماره ۶ و ۸ و ...

دیده شود.

ص ۱۶۷: الضیف ... سنجیده شود با: داستان‌نامه بهمنیاری، احمد بهمنیار، ۱۳۷۵،

ص ۵۱۶ و صفحه ۵۱۷.

ص ۱۶۸: وَ نَحْنُ ... به فرائدالسلوک، ص ۱۱۰ و بختیارنامه، دکتر صفاء، ص ۸۶

مراجعه گردد.

ص ۱۷۴: در گریه و ... از سیّد حسن غزنوی، شاعر قرن ششم است: دیوان، به

تصحیح مدرّس رضوی، ص ۲۷۳ نگریسته شود.

ص ۱۷۴: عُرْشُ يُعْرَسُ ... بختیارنامه، طبع دکتر صفاء، ص ۲۵ و تعلیقات مربوط به

این بیت و ابیات مابعد آن دیده شود.

ص ۱۷۶: أَكْرَمُ بِه... و بیتهای پس از آن، در جواهرالاسمار، چاپ بنیاد فرهنگ ایران،

ص ۳۳، با جابجایی مصراعها آمده است. در اغراض السیاسه، ص ۱۲۸، تنها، بیت اوّل

متدرج است.

ص ۱۷۷: باز باذاند... از سوزنی سمرقندی است: دیوان، چاپ دکتر ناصرالدین

شاه حسینی، طهران، ۱۳۳۸، ص ۳۸۴ دیده شود.

ص ۱۷۹: حَسْبِ الدُّنْيَا ... قرآن مجید، سوره بیست و دوم (حجّ)، آیه یازدهم از نظر گذرانده شود.

ص ۱۷۹: داستان عاشق و گنده پیر و سگ گریان ... متن این داستان را با دو روایت دیگر آن بسنجید: یکی در هزار و یک شب، ج ۴، چاپ دؤم، طهران، ۱۳۳۷، ص ۲۷ و مابعد دیگری در چهل طوطی اصل، جلال آل احمد و سیمین دانشور، صفحات ۱۴ و ۱۵؛ که نخستین بار، در سال هجدهم مجلهٔ یغما به چاپ رسیده است و بعدها به صورت مستقل نیز طبع گردیده - و گزارندگان، آن را، از کتاب "The wisdom of India" ترجمهٔ بی. هیل وُثام (B. Hale Wortham) از متن سانسکریتی "Suka Saptati" به فارسی برگردانده بوده‌اند.

ص ۱۸۰: نگاری کز ... و بیت پس از آنکه در کلیله و دمنه نیز آمده است (چاپ مینوی، ص ۳۷۵) از قصیده‌ای است، در ستایش ابوالقاسم عمادالملک بن خواجه نظام‌الملک، از امیر معزی نیشابوری که در دیوان او، چاپ اقبال آشتیانی، طهران، ۱۳۱۸ ص ۱۳۳ ضبط گردیده است.

ص ۱۸۲: توبه زهاد ... بختیارنامه، چاپ دکتر صفا ص ۱۳۰ نگریسته شود.
ص ۱۸۲: افتاد مرا ... ایضاً، بختیارنامه، طبع دکتر صفا، ص ۱۹ و ۱۸۸ دیده شود.
ص ۱۸۳: هرکه او ... به مجلهٔ یادگار، سال چهارم (۱۳۲۷ شمسی)، ص ۱۳۱ و امثال و حکم، علی اکبر دهخدا ص ۲۳۵ مراجعه گردد.

ص ۱۸۴: ای مستان ... از اشعار معروف سنایی غزنوی است، به دیوان او طبع مدرّس رضوی، طهران، ۱۳۴۱، ص ۸۰ رجوع گردد.

ص ۱۸۶: از یار به هر ... ایضاً دیوان سنایی، ص ۸۵۸ دیده شود. مصراع دؤم این بیت در تحفة الملوک (از: علی ابن حفص اصفهانی، به اهتمام سید حسن تقی‌زاده)، طهران، ۱۳۱۷ شمسی، صفحات ۴۰ و ۶۱ نقل گردیده است.

ص ۱۸۷: این کار، به زر ... از آن عمادی شهریار است و مصراع نخستین آن چنین:

«سَنَطَانَ رَا بَیْنَ بَهِ مَاتَم وَ مِی دَان» رجوع شود به: چهارمقالهٔ نظامی عروضی، طبع دکتر محمد معین، ص ۶۱۳ (چند توضیح) و امثال و حکم، علی اکبر دهخدا، ج ۴، ص ۱۴۴۱.
ص ۱۸۷: زر، اگر مایل ... از ابیات مشهور سنایی در حدیقه است: حدیقه الحقیقه، چاپ اوّل مدرّس رضوی، طهران، ۱۳۲۹، ص ۴۰۷ ملاحظه گردد.

ص ۱۸۸: هر شب گردد... از سروده‌های رشید و طواط است و بیت ماقبل آن این است:

بگسست ز صحبت من آن دلگسلم مالید به زیر پای محنت، چو گِلم

به دیوان و طواط، چاپ سعید نفیسی، ص ۶۱۷ رجوع شود.

ص ۱۸۹: عَلَى الْخَبِير... رجوع شود به: کلیله و دمنه بهرامشاهی، چاپ اول مینوی، ص ۴۰۴ و المضاف الی بدایع الازمان به تصحیح اقبال آشتیانی، طهران، ۱۳۳۱، ص ۴.
ص ۱۹۰: صبر با عشق... هم در دیوان انوری، چاپ مدرّس رضوی، ج ۲، ص ۸۵ آمده است و هم در کَلِّات شمس، طبع بدیع الزّمان فروزانفر، ج ۲، ص ۲۵۵.

ص ۱۹۱: نوید مشو... این بیت که در صفحه‌های ۵۴ و ۸۲ بختیارنامه، چاپ دکتر صفا و نیز در فرائد السّلوک، صفحه ۱۳۱، آمده است؛ بنا به نقل دهخدا، در امثال و حکم (ج ۳، ص ۱۲۰۴ و ج ۴، ص ۱۸۴۲) از قرّة العیون است و این «قرّة العیون» همان است که به نام قرّة العین، به اهتمام امین پاشا جلالی، تبریز، ۱۳۵۴، چاپ شده و بیت مورد سخن در صفحه ۳۳ آن آمده است. مجله آینده، سال دهم، ص ۳۶۸ ح دیده شود.

ص ۱۹۳: عِشْنَا.. نفثة المصدور، چاپ دکتر یزدگردی، ص ۲، ۱۳۰ و ۵۸۳؛ جهانگشای جوینی، چاپ قزوینی، ج ۱، ص ۱۰۸؛ التّوسل، طبع بهمنیار، ص ۲۶۳ و بختیارنامه، دکتر صفا، ص ۴۱ و بیست و نه و... دیده شود.

ص ۱۹۴: یا عَزَّ... این ابیات، از جمله اشعار معروف «کَثِیر عَزّه» یعنی: ابوصخر، کثیر بن عبدالرحمن بن اسود بن عامر خزاعی، متوفی در سنه ۱۰۵ قمری است در باب معشوق خود: «عزّه» دختر جمیل بن حفص بن ایاس حاجبی که در اسرار التّوحید چاپ دکتر صفا، صفحه‌های ۳۰۵ و ۳۵۶ نیز، بدان استناد شده است.

ص ۱۹۵: بِذَا قَصَّتْ... ناصر خسرو هم گفته است (دیوان، مینوی - محقق، ص ۲۶۷):

آنکه ترا محنت او نعمت است نعمت تو نیز برو محنت است

اسدی طوسی نیز گوید (گرشاسب‌نامه، چاپ یغمایی، ص ۳۰۰):

چنین است و زینگونه تا بد بس است

زیان کسی، سود دیگر کس است

این بیت بسیار معروف «متنبی» در بعضی از کتب فارسی، به استشهاد نقل شده است؛ از جمله: تاریخ بیهقی، چاپ فیاض، ص ۳۸۵ و چاپ جدید آن، ص ۴۹۵؛

مرزبان‌نامه، ص ۱۳۴؛ حقائق‌الستحر، طبع اقبال، ص ۳۵ و ۵۵؛ نفثة‌المصدور، چاپ دکتر یزدگردی، ص ۶۲ و حواشی و تعلیقات مربوط به آن، ص ۲۴۵؛ جهانگشای جوینی، طبع قزوینی، ج ۱، ص ۶۱ و ... ملاحظه شود.

ص ۱۹۷: معشوقه بسامان ... در دیوان سنایی، چاپ مدرّس رضوی، طهران ۱۳۴۱، ص ۸۳۸، به نام سنائی ضبط گردیده است؛ ولی در کلیّات شمس، ج ۱، ص ۵۵ چاپ بدیع‌الزمان فروزانفر، از آن مولوی دانسته شده است. در مکتوبات مولوی، چاپ توفیق سبحانی، طهران ۱۳۷۱، ص ۷۳ و مرصادالعباد، به تصحیح دکتر ریاحی، ص ۹۶ و جوامع‌الحکایات، چاپ عکسی کلاله خاور، ص ۳۰۴ و جواهرالاسمار، طبع بنیاد فرهنگ ایران، ص ۴۵ و ... نیز مندرج است.

ص ۱۹۹: مخالفان تو ... ترجمان البلاغه، چاپ احمد آتشر، ص ۳۶ و کلیله و دمنه بهرامشاهی، چاپ مینوی، ص ۹۶ و تاریخ بیهقی، ص ۵۹۴ ملاحظه گردد. در امثال و حکم دهخدا، ج ۴، ص ۱۷۵۵، به «ابوحنیفه اسکافی» نسبت داده شده است؛ ولی غالب منابع قدیم، نام گوینده اشعار را «مسعود رازی» یا «مسعودی رازی» ضبط کرده‌اند.

ص ۲۰۰: داستان صیاد و انگبین و راسو و بقال ... در هزار و یک شب هم ظاهراً به نقل از سندبادنامه دیده می‌شود؛ رجوع کنید به: ج ۴، چاپ دوّم، طهران، ۱۳۳۷، ص ۱۹، از هزار و یک شب، به ترجمه عبداللطیف طسوجی.

ص ۲۰۴: السیاسة ... ادیب صابر گفته است (امثال و حکم، ص ۱۳۵۹):

اول سیاست است که شرط ریاست است

او را ریاست است که یکسر سیاست است

ص ۲۰۵: داستان بازرگان لطیف طبع ... از جمله داستانهای نقل شده در کتاب

بسیار معروف هزار و یک شب است (ج ۴، چاپ ۲، طهران، ۱۳۳۷، ص ۱۴ - ۱۵ دیده شود).

ص ۲۱۱: داستان زن پسر با خسرو و معشوق ... رجوع شود به جوامع‌الحکایات

جزء دوّم، از قسم سوّم، طهران، ۱۳۵۳، ص ۷۳۴ تا ۷۴۱ (از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران) که به یقین عوفی، آن را از سندبادنامه، برگرفته است.

روایت دیگر این داستان، ریخته قلم ضیاء نخشبی است که آن را می‌توان در

«طوطی‌نامه»، چاپ دکتر مجتبابی - دکتر آریا، ص ۸۰ - ۸۱ خواند.

ص ۲۱۷: کُلُّکُم راع ... نگاه کنید به: شرح فارسی شهاب‌الاحبار، تصحیح دانش‌پژوه،

ص ۲۸، فقرة ۱۶۸.

ص ۲۱۸: داستان دزد و شیر و حمدونه ... به مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی، بدیع الزمان فروزانفر، ص ۴۹ نگریسته شود.

ص ۲۲۱: صبح آمد ... و بیت پس از آن، از سروده‌های معروف کسایی مروزی است؛ رجوع شود به: بهشت سخن، دکتر حمیدی، ج ۱، ص ۳۱ و تاریخ ادبیات در ایران، دکتر صفا، ج ۱، ص ۴۴۶ و کلیله و دمنه، چاپ مینوی، ص ۲۲۰.

ص ۲۲۱: إِنَّ لِي ... بختیارنامه، دکتر صفا، ص ۱۱۹؛ نفثة المصدور، چاپ دکتر یزدگردی، ص ۹۱ و تعلیقات آن و التوسل الى التوسل، تصحیح احمد بهمنیار، طهران، ۱۳۱۵، ص ۱۷۸ ملاحظه گردد.

ص ۲۲۱: به هر حال ... در التوسل، ص ۳۲۵ و نفثة المصدور، ص ۱۰۱، ۳۲۴ و ۳۳۲ به کار رفته است.

ص ۲۲۵: الملك عقیم ... اغراض السیاسه، ص ۲۱۴ و ۳۳۰ دیده شود.

ص ۲۲۹: كَذَاكَ اللَّيَالِي ... نام گوینده شعر، یافته نشد؛ اما در کلیله و دمنه ص ۲۰۷ هم مورد تمثّل واقع شده است.

ص ۲۲۹: رُوْحُهُ رُوْحِي ... در کتّات شمس، جمع و تدوین و تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، ج ۵، ص ۷، در جزء گفته‌های مولوی ضبط شده است؛ اما چنین نسبتی، چگونه درست تواند بود؟

ص ۲۳۰: بَقَائِي شَاءَ ... این بیت «متنبی»، مطع قصیده‌ای است (دیوان، برقوقی، ج

۲، ص ۳۳۷) که بعضی ابیات آن مانند: «علوم انسانی و مطالعات فرهنگی»

وَمَنْ يَكُ ذَا قَمٍ مَرِيضٍ يَجِدُ مَرًّا بِهِ اَلْمَاءُ الزَّلَالَا

حکم «مثال سائره» را پیدا کرده است و در منتهای کهن فارسی، به آن استشهاد شده است مولوی نیز، مصراع اول را، از مطلع قصیده، تضمین کرده و گفته است (کتّات دیوان کبیر، فروزانفر، جزء اول، ص ۶۹):

جواب آن غزل که گفت شاعر بقایای شاء کبیر هُم از تحالا

سعدی هم فرموده است (غزلیات، طبع فروغی، ص ۳۶۸):

زانگه که برفتی از کنارم صبر از دل ریش، گفت: رفتم

ص ۲۳۵: بر زنان دل ... این بیت و بیت پس از آن که در دیوان سنایی، چاپ دوّم

مدّرس رضوی، ص ۱۰۶۵ مضبوط است؛ در لباب الالباب، چاپ سعید نفیسی ص ۳۹۴ و مجمع الفصحا، چاپ دکتر مصفا، ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۸۷۸، به نام دهقان علی شطرنجی ضبط گردیده است.

ص ۲۴۳: شاد شو... در کلیله و دمنه، ص ۲۲۷، بی ذکر نام شاعر، به استشهاد آورده شده است.

ص ۲۲۴: أَعْطَيْتَ ... در مرزبان‌نامه، قزوینی، ص ۲۸۱ به کار رفته است. مقایسه گردد با: وِصَاف، چاپ ۱۳۳۳ قمری، ص ۱۲۹، متن و حاشیه.

ص ۲۴۵: تو آن کن ... در مرزبان‌نامه، چاپ بنیاد فرهنگ ایران، ج ۱، ص ۴۳۵ نیز آمده است؛ امّا، نام گوینده آن را نیافتیم.

ص ۲۴۶: تَرَكْتُ ... نَفْثَةُ الْمَصْدُورِ، طبع دکتر یزدگردی، ص ۱۰ و تعلیقات مربوط به آن، کلیله و دمنه بهرامشاهی، چاپ مینوی، ص ۱۱۷؛ یادداشتهای قزوینی، چاپ افشار، ج ۲، ص ۶۴ و امثال و حکم دهخدا، ص ۵۴۵ و ... دیده شود.

ص ۲۴۶: وَ لَوْ حُمِلْتُ ... یادآور بیت معروف سعدی است (غزلیات، فروغی، ص ۲۵۰):

بگذار تا بگرییم چون ابر در بهاران
 کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران
 ص ۲۴۷: فَكَيْفَ يَرْجُونَ ... این بیت با ابیاتی دیگر، در اغراض السیاسة، چاپ دکتر شعار، ص ۲۴۸ آمده است امّا، نام قائل آنها بر من معلوم نشد.

ص ۲۴۷: چو از حدیقه ... مطلع قصیده‌ای است از رشید و طواط، در مدح اتسز: به دیوان رشید، طبع سعید نفیسی، ص ۳۹۸ و مجمع الفصحا، چاپ دکتر مظاهر مصفا، طهران، ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۶۶۹ رجوع شود. نیز این قصیده، قصیده پنجم است از قسم چهارم کتاب ابکار الافکار فی الرسائل و الأشعار، از رشید و طواط - نسخه دارالفنون استانبول - که مجموعاً ۵۳ بیت می‌باشد.

ص ۲۵۲: يَكْرَهُ مَفْرَقٌ ... این بیت که از قصیده لامیه بسیار معروف امرؤ القیس است به مطلع: فِقَائِبِكِ مِنْ ذِكْرِ حَبِيبٍ وَ مَنَزَلٍ ... و بی شک مهمترین معلقه، از «معلقات سبع» است؛ بعضی از ابیات آن - از جمله بیت مورد سخن - به استشهاد، در برخی از کتب ما آورده شده است. دکتر مهدی حمیدی، به حق، معتقد است که این قصیده، بزرگترین قصیده عالم شعر است. برای نمودن تأثیر این قصیده در کار قصیده‌سرایان استاد زبان فارسی، گفتنی است که، مثلاً مضمون بیت مورد بحث، به صورتهای گوناگون در شعر فارسی دیده می‌شود.

عنصری بلخی، این مضمون را چنین به فارسی درآورده است (دیوان، چاپ دکتر دبیر سیاقی، ۱۳۴۲، ص ۱۳۳):

چنان بود که ز آفران، در نشیب آید
 چو سنگ، کان به نهیش، برانی از کهسار

و منوچهری دامغانی گوید (دیوان، دکتر دبیر سیاقی، ص ۴۱):

همچنان سنگی که سیل آن را دراندازد ز کوه

گاه زان سو، گاه زین سو، گاه فراز و گاه باز

امیر معزی نیشابوری نیز، «حرکت اسب» را چنین وصف کرده است (دیوان،

عبّاس اقبال، ص ۱۳۵):

فری سمند تو، کاندر نبرد گردش اوست چو گاه سیل ز کهسار، گردش جلمود

نیز معارف بهاء ولد، طبع فروزانفر، ص ۵۷؛ جهانگشای جوینی، ج ۲، ص ۱۷۳؛

مجله دانشکده ادبیات طهران، سال هجدهم، شماره اول، (شماره بی در پی ۷۵) ص ۱۴۴ و

مابعد؛ اغراض السیاسه، ص ۴۰۷ (فقط مصراع دوم آمده است)؛ مجله صدف، شماره ۶، ص

۴۳۱؛ معلقات سبع، ترجمه عبدالمحمد آیتی، طهران، ۱۳۷۵ ص ۱۷ - ۱۸ و ... دیده شود.

ص ۲۵۲: مَهره زده پشت ... این ابیات که، ظاهراً، بر وزن «مفعول مفاعیلن فعولن»

است؛ هم وزن است با قصیده‌ای از انوری، در ستایش اسب صاحب ناصرالدین؛ حتی،

مصراع چهارم این دو بیت - از سنبله سپهر گندم - با اختلاف در یک لفظ، در آن قصیده

انوری بیت نهم، مصراع دوم - عیناً دیده می شود.

با این همه، نمی دانم که این بیت، از همان قصیده سابق‌الذکر انوری است که از

دیوان او افکنده شده است یا متعلق است به قصیده‌ای دیگر از انوری و یا اینکه، گوینده

آنها دیگری است که من نشناختمش.

ص ۲۵۵: نه هیچ ساکن ... از ابوالفرج روتی است: دیوان، طبع چایکین، ص ۶۱

ملاحظه شود.

ص ۲۵۷: النساء ... رجوع شود به: شرح شهاب‌الخبار، دانش‌پژوه، ص ۱۱ و

ترک‌الاطناب، تصحیح محمد شیروانی، ص ۳۰ و اغراض السیاسه، چاپ دکتر شعار، ص

۲۶۰. دو بیت دیگر از این قصیده، در ص ۳۲، سطرهای ۸ و ۹ سندبادنامه آمده است.

ص ۲۵۷: گرچه ناهید ... و بیت دیگر، در مقامات حمیدی، طبع ابرقویی ص ۵۸،

بلاعزو مندرج است.

ص ۲۵۸: هرکه با یوسف ... از قصیده‌ای است به مطلع:

و بحک ایس پرده پرده در درمانگران بیش از این پرده ما پیش هر ابله مدران

رجوع شود به: دیوان سنایی، مدرّس رضوی، ص ۴۳۸.

ص ۲۵۸: داستان شهریار زَن‌دوست ... این داستان که در ادبیات آلمانی به «جای

پای شیر» (Spur des Löwen) معروف شده است (سیمرغ، بنیاد شاهنامه فردوسی ش ۴: ص ۱۱۸)؛ در «زهر الزبیع» نعمت‌الله جزایری - ترجمه فارسی، طهران، ۱۳۵۵، ص ۶۷-۶۸ - هم، روایتی از آن نقل گردیده است.

در «هزار و یک شب» دو روایت از آن، آمده است؛ نگاه کنید به: هزار و یک شب، ترجمه عبداللطیف طسوجی، ج ۳، ص ۵۰-۵۱، که در سنه ۱۳۱۶ شمسی، در طهران به چاپ رسیده است و نیز: ج ۴، چاپ دوم، طهران، ۱۳۳۷، ص ۶-۹. ص ۲۶۰: گئی باشد... بیتی است از یکی از غزلهای سنایی غزنوی، به مطلع (دیوان، ص ۱۰۱۰):

ای مه نو به روی تو دیده و اندر تو ماه نو بخندیده

ص ۲۶۰: بی‌رهبر و... این بیت با بیتی دیگر، در تاریخ بیهق، به تصحیح احمد بهمنیار، ص ۲۳۶، بدون ذکر نام شاعر آمده است. «بدون ذکر نام شاعر» از این جهت است که ابوالحسن علی بن زید بیهقی، معروف به «ابن فندق» در ترجمه احوال «الامام، جمال‌الاسلام، الحسین بن ابی العباس محمد بن الحسن الفوران» از محدثان و علمای نیشابور - در تاریخ بیهق، ص ۲۳۶ نویسد: «روزی، پدرم، شمس‌الاسلام - قدس الله روحه - در مجلس وی رفت؛ وی سخن قطع کرد و این دو بیت بگفت و مجلس ختم کرد: چشم چه عجب، اگر شود چشمه نیل گردون نکشد بار مرا میلایل
بی‌رهبر و بی‌نشان و بی‌هیچ عدیل ناگاه به خان عنکبوت آمد پیل
بر من دانسته نیست که گوینده شعر، همین «الامام، جمال‌الاسلام...» مورد سخن است یا وی، روایت‌کننده آن است؟

ص ۲۶۲: نوَن آلهوان ... رجوع شود به: ترجمه رساله قشیریّه، طبع فروزانفر، ص ۲۲۹؛ تذکره‌الاولیاء، چاپ دکتر استعلامی، ص ۴۲۵ و مجله دانشکده ادبیات طهران، شماره پی در پی ۸۹، صفحه ۱۷۷.

ص ۲۶۵: داستان آن مرد که حیلت‌های زنان جمع کرد ... برای این داستان، چند روایت، یافته شده است: جوامع‌الحکایات، جزء دوم، از قسم سوم، بنیاد فرهنگ ایران، طهران، ۱۳۵۳ ش.، ص ۷۴۱ تا ۷۴۴؛ طوطی‌نامه، ضیاء نخشبی، چاپ دکتر مجتبیایی - دکتر آریا، ص ۷۹-۸۰؛ ترجمه زهر الزبیع، طهران، ۱۳۵۵، ص ۶۷-۶۸ دیده شود.

ص ۲۷۱: برخیز و بیا ... در اسرار التوحید، ص ۱۷۴، بلاعزو، درج شده است. ص ۲۷۱: إذا بلّغ ... این بیت از قصیده «میمی» بشّار بن بُرد طُخارستانی است، در مدح ابراهیم بن عبدالله، به مطلع (اغانی، چاپ دارالکتب، ج ۳، ص ۱۵۷):

«ابا جعفر ما طول عیش بدائم و لا سالم عمّا قليل بسالم»

ص ۲۷۵: جَفّ القلم ... به صورتهای گوناگون نقل شده است: شرح فارسی شهاب الاخبار، چاپ دانش پژوه، ص ۷۲، فقره ۴۱۴ و ترک الاطّاب فی شرح الشّهاب ... به تصحیح محمّد شیروانی، ص ۴۴۹ و کلیله و دمنه چاپ مینوی، ص ۱۰۰ و جواهرالاسمار، ص ۴۹۴ و نفثة المصدور، چاپ یزدگردی، ص ۷۲ و ... دیده شود.

ص ۲۷۵: فَإِنَّ حِلْمَكَ ... در نفثة المصدور زیدری، چاپ دکتر یزدگردی، ص ۳۳ و ۱۸۳: التّصفيه فی احوال المتصوّفه، قطب الدّین، ابوالمظفر، منصور بن اردشیر عبادی طهران، ۱۳۴۷، ص ۲۳۶ و لطائف الحکمة، سراج الدّین محمود ارموی، به تصحیح دکتر یوسفی، ص ۱۹۵ و فیهِ مافیهِ، ص ۱۲۵ و ۳۱۴ و مکتوبات مولوی، چاپ دکتر توفیق سبحانی، ص ۹۰ و ۱۵۵ و ... به استشهاد آمده است.

ص ۲۷۵: گر بسنجد ... بیت، در دیوان ابوالفرج رونی، چاپ جایکین، ص ۱۰۸ ضبط گردیده است.

ص ۲۷۶: داستان کدخدای با مهمان و زن و گربه ... عیناً در هزار و یک شب، ج ۴، چ ۲، طهران، ۱۳۳۷ شمسی، ص ۷۶ - ۷۷ دیده می شود.

ص ۲۷۷: قضا، قضاست ... بیت از «منجیک ترمذی» است: به بهشت سخن، دکتر مهدی حمیدی، ج ۱، ص ۲۴؛ مجمع الفصحا، چاپ دکتر مصفا، طهران، ۱۳۳۹، ج ۳، ص ۱۱۷۶ و حدائق السّحر، طبع اقبال آشتیانی، حواشی ص ۱۳۷ و مابعد رجوع شود.

ص ۲۷۸: در بختیارنامه، چاپ دکتر صفا، ص ۱۰۸ نقل شده است.
ص ۲۷۸: وَاللّهُ ... بخشی از آیه دوازدهم، از سوره یوسف است؛ به قرآن مجید رجوع گردد.

ص ۲۷۸: إذا جاء ... داستان نامه بهمنیاری، احمد بهمنیار، ص ۴۲۵ و امثال و حکم دهخدا، ج ۱، ص ۹۱ و جواهرالاسمار، ص ۱۲۰ و اغراض السیاسة، ص ۲۲۳ دیده شود.

ص ۲۸۰: فَحَمْدُ ... این بیت که در تتمّه «صوان الحکمه» چاپ محمّد شفیع، ص ۱۳۱ و کلیله و دمنه بهرامشاهی، چاپ مینوی، ص ۳، به استشهاد آورده شده است؛ برطبق تحقیقات عالمانه مجتبی مینوی، از «ابوالقاسم علی بن الحسن ابن رضوان الخیاط الغزنوی»، از اعضای انجمن خانه خواجه نصرالله منشی (کلیله و دمنه، ص ۱۶، ص ۴) مشهور به امام علی خیاط، ممدوح سنایی غزنوی است (دیوان سنایی، مدرّس رضوی، چ ۲، ص فکز) که با دو بیت دیگر در کلیله و دمنه، ص ۳، منقول است. مولوی مصراع

نخست این بیت را تضمین کرده است: دیوان کبیر، فروزانفر، ج ۷، ص ۵۶ دیده شود.
 ص ۲۸۲: جوانی شعبه‌ای است ... ترجمه‌ای است از: الشَّابُّ شَعْبَةٌ مِنَ الْحَنُونِ، با
 جواهرالاسمار، ص ۱۶۲؛ لمعة السراج، ص ۲۱۲؛ شرح شهاب الاخبار، ص ۱۷؛ ترک الاطباب، ص
 ۲۹؛ امثال و حکم، ص ۲۵۳ و اسرار التوحید، صفا، ص ۳۳ سنجیده شود.
 ص ۲۳۸: جوانی که ... دیوان فرّخی سیستانی، تصحیح دکتر دبیر سیاقی، ص ۳۹۲ و
 تاریخ ادبیات فروغی، ص ۲۳۴ دیده شود.
 ص ۲۸۵: یا عاذِلٌ ... در جهانگشای جوینی، طبع قزوینی، ج ۳، ص ۲۴ مذکور است.
 ص ۲۸۷: رضینا ... راحة الصدور، با تصحیحات لازم از مینوی، طهران، ۱۳۳۳، ص
 ۵۰، متن و حاشیه نگریسته شود. ناصرخسر و قبادیانی نیز گفته است (دیوان، ص ۱۱۶):
 چون دین و خرد هستان، چه باک است گر ملکت دنیا، به دست ما نیست
 ص ۲۸۷: داستان کودک دوساله ... هزار و یک شب، ج ۴، چ ۲، طهران ۱۳۳۷، ص
 ۸۲ و مابعد دیده شود.

ص ۲۹۱: یا خادِمٌ ... از قصیده نوئیّه، ابوالفتح بُستی است، به مطلع:
 زبَادَةُ الْمَرْءِ فِي دُنْيَا نُقْصَانٌ وَ رَبْحُهُ غَيْرَ مَحْضِ الْخَيْرِ حُسْرَانٌ
 که محمد بدر جاجرمی، همه آن قصیده را به شعر فارسی برگردانده است با
 مطلع:
 هر کمالی که ز دنیاست، همه نقصان است

سود کز محض نکویی نبود، خسران است
 متن تازی اشعار، در مآخذ گوناگون، از جمله، در جواهرالادب، سید احمد هاشمی
 بک، قاهره، ۱۳۶۷ ق.، ص ۴۳۱، آمده است و ترجمه منظوم آن، در مونس الاحرار ...
 ص ۲۹۳: داستان کودک پنج‌ساله ... این قصه هم، از قصه‌های منقول در هزار و یک
 شب (ترجمه طسوجی، ج ۴، طهران ۱۳۳۷، ص ۸۴) است.
 ص ۲۹۵: وَعَدْتُ ... ترجمه تاریخ یمنی، چاپ دکتر شعار، ص ۳۱ و راحة الصدور، با
 تصحیحات مینوی، ص ۹۵ و ... ملاحظه گردد.

ص ۲۹۹: داستان پیر نابینا و بازرگان و طرّاران ... در باب این قصه و قصه‌های
 دیگری از فارسی که به ادبیات «مالایا» راه یافته است؛ مقاله «سیر ریچارد ونیس‌تد» در
 مجله روزگاران، ج ۳، ش ۳، به عنوان «تأثیر زبان فارسی در ادبیات مالایا» دیده شود.
 نیز در هزار و یک شب، ج ۴، طهران، ص ۸۱ و مابعد نقل شده است.
 ص ۳۰۶: فَكُلُّهُمْ ... السَّعَادَةُ وَالْإِسْعَادُ، چاپ مینوی، ص ۳۲۱ ملاحظه گردد.

ص ۳۰۶: نیک خواهان ... این بیت، در بعضی از متنهای کهن به کار برده شده است؛ رجوع شود به: کلیله و دمنه، چاپ مینوی، ص ۱۱۲؛ نفثة المصدور، ص ۷۱؛ جواهرالاسمار، ص ۸۳؛ جهانگشای جوینی، ج ۱، ص ۶ و امثال و حکم دهخدا، ج ۴، ص ۱۸۷۴؛ در ص ۳۳۶ سندبادنامه، به تکرار آمده است.

ص ۳۰۷: خُذِ اللُّؤْلُؤُ ... اغراض السیاسة، ص ۱۲۱ دیده شود.

ص ۳۰۷: أَلْخَيْرُ بَقِي ... به کلیله و دمنه، ص ۴۰۷؛ کشف الاسرار، ج ۱۰، ص ۲۰۹ و امثال و حکم، ج ۱، ص ۲۴۶ مراجعه شود.

ص ۳۰۷: نیکویی کن ... در ص ۱۶۶ سندبادنامه نیز نقل شده بود.

ص ۳۰۹: وَمَا يَنْهَضُ ... در بیشتر مراجع، شعر با «وَهَلْ ...» شروع می شود. ابن مصرع که حکم «مَثَل سائره» را پیدا کرده است؛ با مصرع پیش از آن، به صورت بینی کامل از «مِسکین دارمی» است (الشوارذ، عبدالله محمد بن خمیس، ۱۳۹۴ ق، ج ۱، ص ۱۳۸):

وَإِنَّ ابْنَ عَمِّ فَاعَلَمَ جَنَاحَهُ وَ هَلْ يَنْهَضُ أَلْبَازِيُّ بِغَيْرِ جَنَاحِ

ص ۳۱۳: ماناکی حریف ... رجوع شود به: دیوان مسعود سعد سلمان، چاپ اول غلامرضا رشید یاسمی، ص ۷۲۱.

ص ۳۱۶: سُبْحَنَ مَنْ ... اغراض السیاسة، ص ۱۵۶ دیده شود.

ص ۳۱۶: داستان دختر شاه کشمیر و پری و چهار برادران ... روایتی دیگر از ابن قصه، در جواهرالاسمار، چاپ شمس الدین آل احمد، ص ۳۲۸ تا ۳۸۵ نقل شده است. روایت دوّم قصه را در طوطی نامه ضیاء نخشبی، چاپ طهران، به تصحیح دکتر مجتبابی - دکتر آریا، ص ۲۸۴ تا ۲۸۵ توان دید.

ص ۳۲۰: أَلْكَرِيمُ ... جز از دیباچه گلستان سعدی (چاپ هند، ص ۵)، در التّوَسُّلِ اِلَى التَّرَسُّلِ، صفحات ۱۶۱ و ۲۹۷ و جواهرالاسمار، ص ۳۰ و لطائف الحکمه، تصحیح دکتر یوسفی، ص ۱۸۷ به کار برده شده است.

ص ۳۲۰: از عهده عهد ... که از اشعار معروف سنایی غزنوی (دیوان، ص ۱۱۳۰) است؛ در بعضی از کتب، از جمله کلیله و دمنه، مینوی، ص ۱۰۱ و جواهرالاسمار، ص ۳۲۰ هم به استشهاد آورده شده است.

ص ۳۲۲: ای درون پرور ... به حدیقه سنایی، چاپ اول مدرّس رضوی، ص ۶۰ و

تعلیقات آن در ص ۸۱ و کارنامه بلخ، ص ۵ و جهانگشای جوینی، طبع قزوینی، ج ۱، ص ۱ رجوع گردد.

ص ۳۲۲: کفر و دین ... حدیقه سنایی، ص ۶۰ دیده شود.

ص ۳۲۲: لَيْسَ مِنْ ... بیتی است بسیار معروف از قطعه‌ای که «ابو نواس» در مدح «فضل بن ربیع» گفته بوده است به مطلع:

قولا لهارون امام الهدی عند احتفال المجلس الحاشد

به وفيات الاعيان، ج ۱، ص ۲۴ و ترجمه تاریخ یمنی، چاپ دکتر شعاع، ص ۱۸ و ۵۰۳ و تعلیقات حدیقه الحقیقه، مدرّس رضوی، ص ۳۲ و ... مراجعه شود. در دیوان ابونواس، مصر، ۱۳۵۶ ق، ص ۱۵۳، مصرع اول، چنین است: «اوجده الله فما مثله». مضمون شعر ابو نواس را، عنصری بلخی، چنین به فارسی درآورده است (دیوان، دکتر دبیر سیاقی، ص ۲):

«کس از خدای ندارد عجب، اگر دارد همه جهان را، اندر تنی همی تنها»

ص ۳۲۳: إذا لم یکن ... نفته‌المصدور، طبع دکتر یزدگردی، صفحات ۱۱ و ۱۴۲ دیده شود.

ص ۳۲۴: فرمان ترا ... بیتی است از انوری ابیوردی، از قصیده‌ای به مطلع:

ای زرین نعل آهنین شُم ای سوسن گوش خیزران دُم

به دیوان انوری، مدرّس رضوی، ج ۱، ص ۳۳۳ رجوع گردد.

ص ۳۲۵: در دست دل ... دیوان انوری، ج ۲، ص ۱۰۲۳ دیده شود.

ص ۳۲۶: داستان روباه و کفشگر و اهل شارستان ... این داستان را، فریدالدین عطار نیشابوری، به ظاهر از همین سندبادنامه، برگرفته و در الهی‌نامه (به تصحیح هلموت ریتز: استانبول، ۱۹۴۰ م، ص ۲۲۷ - ۲۲۸) به نظم درآورده است.

ص ۲۳۶: عادت چو ... جواهرالاسمار، ص ۸۵ دیده شود.

ص ۳۲۶: إذا جاء ... به اغراض السیاسة، ص ۴۰۸؛ مجمع‌الامثال میدانی، ۱۲۹۰ ق، ص

۷۷۶ و امثال و حکم، ج ۱، ص ۹۱ - ۹۲ مراجعه شود.

ناصر خسرو گفته است (دیوان، مینوی - محقق، ص ۹۴):

اشتر چو هلاک گشت خواهد آید به سر چه و لب جر

ص ۳۲۷: الفراء ... تحفة الملوك [از: علی ابن ابی حفص اصفهانی، به تصحیح

تقی‌زاده] طهران، ۱۳۱۷، ص ۴۹؛ التوسل الی التوسل، ص ۳۲۷؛ جواهرالاسمار، ص ۳۵۱ و امثال و حکم، ج ۱، ص ۲۶۴ دیده شود.

ص ۳۳۰: جزای نکویی ... سنجیده شود با: راحة الصدور، طهران، ۱۳۳۳، ص ۱۲۲.
ص ۳۳۳: آلتاُس ... تفسیر سوره یوسف، ص ۶۸۹، از نظر گذرانیده شود. انوری
گوید (دیوان، ج ۱، ص ۱۹۸):

ای جهان لفظ و تو در او معنی هم ازو پیش و هم بدو اندر
سعدی نیز فرموده است (غزلیات، چاپ فروغی، به ترتیب صفحات ۱۹۷ و ۳۴۷):
تو آفتاب سپهری و دیگران انجم تو روح پاکی و ابنای روزگار اجسام

* * *

نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند

همه اسمند و تو جسمی، همه جسمند و تو جانی

ص ۳۳۴: قَضَى اللَّهُ ... بختیارنامه، دکتر صفا، ص ۲۰۶ و کشف الاسرار، چاپ
حکمت، ج ۵، ص ۲۳۰ دیده شود.

ص ۳۳۴: إِذَا حَلَّتْ... به ماته کلمه من کلام امیرالمؤمنین علی (ع) ... صیدا، ۱۳۴۱
ق، ص ۶ مجمع الامثال، میدانی، ۱۲۹۰ ق، ص ۲۶ و امثال و حکم، دهخدا، ج ۱، ص ۹۲
رجوع شود.

ص ۳۳۴: داستان هدهد و پارسامرد ... به مآخذ و قصص و تمثیلات مثنوی، بدیع الزمان
فروزانفر، ص ۱۴ و مابعد رجوع گردد.

ص ۳۳۵: سَتَذَكَّرُنِي ... جزئی از عجز این بیت در نفثة المصدور، ص ۱۰ و عجز
بیت، بطور کامل در جهانگشای جویی، ج ۲، ص ۹۱ و مرزبان نامه، چاپ بنیاد فرهنگ ایران،
ج ۱، ص ۴۰۵ آمده است. پیش از این نیز در ص ۱۲۶ سندبادنامه به کار رفته بود.

ص ۳۳۶: إِذَا جَاءَ ... سندبادنامه، ص ۲۷۸؛ لمعة السراج، ص ۳۹؛ اخلاق محتشمی، ص
۱۱۰ ملاحظه گردد.

ص ۳۳۶: نیک خواهان ... جهانگشای جویی، ج ۱، ص ۶ دیده شود.

ص ۳۳۶: داستان زنبور و مورچه ... روایتی از این داستان به قلم شیوا و رسا و
جاندار محمد بن منور در اسرار التوحید (چاپ دکتر صفا، طهران، ۱۳۵۴، ص ۲۸۹) آمده
است.

همین قصه را، فریدالدین عطار نیشابوری، در «الهی نامه» منظوم ساخته است
(چاپ هلموت ریتر، استانبول، ۱۹۴۰ میلادی، ص ۲۱۱ - ۲۱۲).

محمد عوفی بخارایی همین قصه را از کتابی «لطائف الاشارات» نام - که من بنده

نشناختمش - در جوامع‌الحکایات، ج ۱، از قسم سوّم، طهران، ۱۳۲۵، ص ۶۶۵-۶۷ نقل کرده است.

ص ۳۳۸: کلمات کی بر دیوار کاخ افریذون نبشته است ... تحفة الملوک (علی بن ابی حفص اصفهانی به تصحیح و اهتمام تقی‌زاده)، طهران، ۱۳۱۷، ص ۶۰ و مابعد دیده شود.

ص ۳۴۰: رفتند یکان ... در طربخانه یاراحمد رشیدی، چاپ جلال‌الدین همایی، تحت شماره ۳۳۳ ضبط شده است.

ص ۳۴۱: الدنیا ... اسرارالتوحید، دکتر صفا، ص ۱۱، اغراض‌السیاسة، ص ۴۴، کلمات سعدی، چاپ فروغی (مجالس، ص ۴۲) ملاحظه گردد. سعدی گوید (مواعظ، فروغی، ص ۵۳):

زمین دنیا، بستانِ زرع آخرت است چو دست می‌دهدت، تخم دولتی بقرشان
ابن یمین فریومدی می‌گوید (امثال و حکم، ج ۱، ص ۲۴۷):

این جهان، مزرعه آخرت است هرچه خواهد دلت ای دوست بکار!
ص ۳۴۴: تَفَنَى الْكَوَاكِبُ ... در اغراض‌السیاسة، چاپ دکتر شعار، ص ۱۳، دیده می‌شود.

ص ۳۴۴: اگر روز من ... ایضاً در اغراض‌السیاسة، ص ۱۳، مندرج است.